

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی

۰۱ نومبر ۲۰۲۳

نگاهی به ادامه جنگ هوئناک اسرائیل علیه مردم غزه و جنبش‌های ضدجنگ!

فیلیپه لازارینی، رئیس آژانس رسیدگی به پناهندگان فلسطینی در اجلاس اضطراری سازمان ملل متحد گفت: «هیچ جای امنی در غزه نمانده است.»!

امروز سه‌شنبه ۹ آبان ۳۱- اکتوبر، بیست‌وپنجمین روز جنگ در منطقه در حالی آغاز شد که عملیات زمینی اسرائیل در شمال و شرق غزه و حمله‌ها در کرانه باختری و علیه اهداف مرتبط با حزب‌الله در لبنان ادامه دارد. بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل نیز به‌طور روشن با آتش‌بس مخالفت کرد و می‌گوید اکنون وقت جنگ است.

مقامات سازمان ملل اعلام کردند که بیش از یک میلیون نفر از جمعیت غیرنظامی غزه که تعداد آن‌ها حدود ۳/۲ میلیون نفر است به‌دلیل بمباران اسرائیل بی‌خانمان شده‌اند.

ارتش اسرائیل در آخرین به‌روزرسانی در خصوص حمله به نوار غزه گفته است که حدود ۳۰۰ نقطه را در روز گذشته در حملات هوایی و زمینی هدف قرار داده است.

با اعلام بمباران بیمارستان قدس، که یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های نوار غزه است، آوارگانی که در این بیمارستان پناه گرفته‌اند، نگران امنیت خود هستند.

روز شنبه ۲۸ اکتوبر، حدود نیم میلیون نفر در لندن راهپیمایی کردند و خواهان قطع جنگ اسرائیل علیه مردم غزه شدند.

...

مقدمه

جنبش ضد جنگ به یک جنبش اجتماعی اطلاق می‌شود که معمولاً در مخالفت با تصمیم یک دولت برای آغاز یا حال یک حمله نظامی شکل می‌گیرد. جنبش‌های ضدجنگ اغلب با برگزاری تظاهرات و اعتصابات می‌کوشند بر یک دولت و یا چند دولت فشار وارد آورند و جنگ را پایان دهند یا از رخدادهای آتی آن پیشاپیش جلوگیری کنند.

در این روزهای حساس و نفس‌گیر، بسیاری از رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و تحلیل‌گران منطقه‌ای و بین‌المللی نسبت به وقوع یک جنگ بزرگ در خاورمیانه به‌دنبال جنگ میان اسرائیل و مردم فلسطینی غزه هشدار می‌دهند.

چندی پیش یک سخن‌گوی سازمان ملل متحد، گفته که ارتش اسرائیل به این سازمان گفته که همه ساکنان شمال وادی غزه باید ظرف ۲۴ ساعت به جنوب غزه منتقل شده باشند.

کاپیتان ایلا، رئیس دفتر رسانه‌ای عربی در ارتش اسرائیل، دوشنبه ۳۰ اکتوبر ۸- آبان، در پستی در «ایکس» نوشت که زیرساخت‌ها و مجتمع‌های نظامی حماس در اثر بمباران منهدم شد. او افزود: «طی ۲۴ ساعت گذشته حدود ۶۰۰ موضع حماس را هدف قرار دادیم.»

از سوی دیگر، سخنگوی دفتر بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل ضمن مخالفت شدید با درخواست‌ها برای آتش‌بس، تاکید کرد که «بازگشتی به وضعیت پیش از ۷ اکتوبر در کار نیست.»

فیلیپه لازارینی، رئیس آژانس رسیدگی به پناهندگان فلسطینی در سازمان ملل متحد: جلسه اضطراری شورای امنیت گفت بحران انسانی که در غزه شکل گرفته است.

جاناتان کانریکوس، سخنگوی نیروهای نظامی اسرائیل در بهروزرسانی عملیاتی روز سه‌شنبه گفت که ارتش اسرائیل در حال حمله به تمام بخش‌های نوار غزه است. به گفته شاهدان فلسطینی، روز دوشنبه نیروهای ارتش اسرائیل به شمال غزه، جایی که تخمین زده می‌شود حدود ۶۰۰ هزار نفر در آنجا باقی مانده‌اند، پیشروی کرد و به گفته شاهدان عینی، تانک‌ها برای مدت کوتاهی مسیر تخلیه را به سمت جنوب قطع کردند.

وزارت بهداشت فلسطین در نوار غزه، دوشنبه ۸ آبان، اعلام کرد بیمارستان «الصداقه» که به پاس دوستی ترکیه و فلسطین احداث و برای درمان بیماران سرطانی اختصاص یافته بود، بر اثر تداوم و تشدید حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل علیه زیرساخت‌های شهری در نوار غزه بر اثر بمباران آسیب دیده است.

این وزارتخانه در بیانیه‌ای که توسط صبحی سکیک، مدیرکل بیمارستان صادر شده، اعلام کرد که هدف گرفتن مجدد بیمارستان الصداقه برای دومین بار باعث خسارت شدید به این تاسیسات درمانی و به خطر افتادن جان بیماران و کادر درمانی شده است.

در واکنش به این حادثه جنبش حماس حمله اسرائیل به بیمارستان «الصداقه» را عامدانه توصیف کرد. مقامات بهداشت و درمان در غزه، اعلام کردند تعداد کشته‌شدگان در بمباران‌های اسرائیل از ۸۳۰۰ نفر گذشته است؛ آژانس رسیدگی به فلسطینیان در سازمان ملل اسرائیل را به «جابه‌جایی اجباری مردم غزه» متهم کرد؛ اسرائیل بیمارستان تخصصی درمان سرطان را بمباران کرد؛ کمیسر کل آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد (آنرو)، اسرائیل را به «مجازات دسته‌جمعی» مردم غزه متهم کرد؛ یک نماینده پارلمان بریتانیا و یک کارمند دولت به علت اظهارات‌شان درباره درگیری‌های غزه تعلیق و اخراج شدند.

به گفته مسوولان بهداشت و درمان در غزه، از زمان آغاز حملات اسرائیل به این منطقه دست‌کم ۸۳۰۶ نفر از جمله ۳۴۵۷ کودک غزه کشته شده‌اند. این نهاد، همچنین اعلام کرده که این آمار شامل ۲۱۳۶ زن و ۴۸۰ سالمند می‌شود. سازمان بهداشت جهانی هشدار داده است که بیمارستان‌های غزه به‌دلیل کمبود برق و تجهیزات اولیه به سختی در حال فعالیت هستند. همچنین هیچ محموله سوختی از آغاز درگیری‌ها به این منطقه ارسال نشده تا برای تولید برق بیمارستان‌ها، پناهگاه‌ها، نانوائی‌ها، ایستگاه‌های پمپاژ و تصفیه آب و سیستم فاضلاب مورد استفاده قرار بگیرد.

سازمان خیریه نجات کودکان (Save The Children) که یکی از بزرگترین نهادهای امدادرسان به کودکان در جهان است می‌گوید «هر ۱۰ دقیقه یک کودک در غزه کشته می‌شود.» جیسون لی، مدیر منطقه‌ای این سازمان در مناطق فلسطینی در گفت‌وگویی از بیت‌المقدس با بی‌بی‌سی داشت همچنین گفته یک سوم ۲۰ هزار نفری که غزه مجروح شده‌اند کودک هستند؛ یعنی از هر سه نفر یک نفر کودک است. آقای لی گفته با ادامه حملات اسرائیل به غزه و بی‌جا شدن بیش از یک میلیون از سکنه این منطقه، آمار بیماری‌های واگیردار هم رو به افزایش است چرا که شرایط رعایت اصول بهداشتی برای آوارگان مهیا نیست. او گفته بیم وخامت همه‌گیری آنفلونزا در میان جنگ‌زدگان طی روزهای اخیر

افزایش یافته است. به گفته این مقام انجمن نجات کودکان، میزان دارو و اقلام بهداشتی که توسط کامیون‌های انسان‌دوستانه وارد غزه می‌شود همچون «قطره‌ای در دریا» است و برای امدادسانی به صدها هزار پناهجو هرگز کفایت نمی‌کند. «جراحان بدون استفاده از داروی بی‌هوشی عمل جراحی انجام می‌دهند. امدادگران از چراغ‌گوشی‌های همراه خود برای روشن کردن مراکز درمانی استفاده می‌کنند.» «اقلام پزشکی آن‌ها نظیر پانسمان و چسب زخم تمام شده و هم‌زمان ۱۳۰ کودک نارس در دستگاه‌های حیاتی نگهداری می‌شوند که ممکن است (به‌علت قطعی برق) خاموش شوند.

فیلیپه لازارینی، رئیس آژانس رسیدگی به پناهندگان فلسطینی در سازمان ملل متحد، امروز سه‌شنبه ۳۱ اکتوبر در جریان جلسه اضطراری شورای امنیت گفت بحران انسانی که در غزه شکل گرفته است «غیرقابل تحمل است.» رئیس این آژانس تاکید کرد هیچ جای امنی در غزه نمانده است. او بمباران‌های اسرائیل و دستور تخلیه‌ای که از سوی ارتش این کشور صادر می‌شود را در کنار محاصره غزه، مجازات جمعی و جابجائی اجباری مردم غزه خواند. او به شورای امنیت گفت تعداد کودکان کشته شده در غزه تنها در سه هفته به ۳۸۰۰ نفر رسیده است و از تلفات سالانه کودکان در درگیری‌های مسلحانه در جهان از سال ۲۰۱۹ تا کنون بیش‌تر است. فیلیپه لازارینی گفت این آژانس ۶۴ نفر از کارکنان خود را در جریان بمباران‌های اسرائیل از دست داده است، از جمله تازه‌ترین کشته که «تنها دو ساعت پیش در کنار همسر و هشت فرزندش کشته شده است.» این مقام سازمان ملل متحد به شورای امنیت گفت: «مردم غزه احساس می‌کنند که جهان آن‌ها را با حماس یکی می‌کند. حذف عملی یک جمعیت از انسانیت کاری بسیار خطرناک است. فجایع حماس اسرائیل را از عمل به تعهداتش در قبال قوانین بین‌المللی میرا نمی‌کند.» فیلیپه لازارینی از اعضای شورای امنیت خواست که خط این بحران را تغییر دهند. او گفت «امروز و فردای فلسطینیان و اسرائیلی‌ها به آتش‌بس فوری انسان‌دوستانه بستگی دارد.» او در عین حال خواستار جریان بی‌مانع امدادسانی به غزه از جمله سوخت و حفاظت از جان غیرنظامیان و زیرساخت‌های مدنی شد.

توماسو دلا، سخن‌گوی فدراسیون صلیب سرخ و هلال احمر به بی‌بی‌سی گفته وضعیت بیمارستان القدس در غزه «از کنترل خارج شده است.» این بیمارستان مملو از بیماران و مجروحان است و بیش از ده هزار نفر از شهروندان هم از آن‌جا به‌عنوان سرپناه استفاده می‌کنند چون آن‌جا را امن‌ترین مکان می‌دانند. این سخن‌گو گفته: «مردم در راهروها، روی پله‌ها، داخل و بیرون بیمارستان زندگی می‌کنند. علاوه بر این ۵۰۰ نفر از بیماران هم در وضعیت بین مرگ و زندگی هستند. من در مورد بخش مراقبت‌های ویژه صحبت می‌کنم و نوزادانی که در انکوباتور به اکسیژن نیاز دارند.» او گفته که صلیب سرخ «به‌شدت نگران» دستور تخلیه بیمارستان است. هلال احمر فلسطینی‌ها می‌گویند که دیروز اسرائیل به مسئولان بیمارستان هشدار داده که بیمارستان را تخلیه کنند، هشدار می‌دهد که امروز هم تکرار شده است. «در شرایط کنونی هیچ راهی برای تخلیه بیماران وجود ندارد.» او همچنین گفته: «منابع کاملاً محدود و دقیقه به دقیقه در حال تمام شدن است.» او افزود که با کاهش عرضه سوخت در غزه «برق هم به زودی قطع خواهد شد.»

آژانس سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی می‌گوید از آغاز جنگ ۶۴ نفر از کارکنان این سازمان در غزه کشته شده‌اند. وی می‌گوید ۴۵۰ پناهگاهی که آن‌ها در سراسر نوار غزه اداره می‌کنند پر ازدحام شده و در مجموع ۶۷۰ هزار نفر در اماکن متعلق به سازمان ملل بسر می‌برند.

به‌گفته او گزارش‌هایی هم درباره گسترش بیماری‌هایی مانند گال و اسهال دریافت شده است. سخن‌گوی این آژانس از نیاز به یک «آتش‌بس بشر‌دوستانه» سخن گفته و می‌گوید «به اماکنی که باید محفوظ باشند حمله شده- کلیساها، مساجد و اماکن متعلق به سازمان ملل. بنابراین هیچ مکانی امن نیست. غزه خیلی سریع به جهنم تبدیل شده است.»

وزارت بهداشت فلسطین در نوار غزه، دوشنبه ۸ آبان، اعلام کرد بیمارستان «الصدقه» که به پاس دوستی ترکیه و فلسطین احداث و برای درمان بیماران سرطانی اختصاص یافته بود، بر اثر تداوم و تشدید حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل علیه زیرساخت‌های شهری در نوار غزه بر اثر بمباران آسیب دیده است. این وزارتخانه در بیانیه‌ای که توسط صبحی سکیک، مدیرکل بیمارستان صادر شده، اعلام کرد که هدف گرفتن مجدد بیمارستان الصدقه برای دومین بار باعث خسارت شدید به این تاسیسات درمانی و به خطر افتادن جان بیماران و کادر درمانی شده است. در واکنش به این حادثه جنبش حماس حمله اسرائیل به بیمارستان «الصدقه» را عامدانه توصیف کرد. ارتش اسرائیل، دوشنبه «حمله نظامی خود را به عمق شمال نوار غزه گسترش داد»، و این در حالی است که گروه‌های مسلح فلسطینی از غزه با موج جدیدی از حملات راکتی به شهرک‌ها و شهرهای اسرائیلی پیرامون نوار غزه، پاسخ دادند.

گزارشگران بدون مرز می‌گویند حملات به روزنامه‌نگاران در لبنان هدفمند بوده است. بر اساس یافته‌های اولیه تحقیقات سازمان گزارشگران بدون مرز، حملات دو هفته پیش در جنوب لبنان که باعث کشته‌شدن یک خبرنگار خبرگزاری رویترز و زخمی شدن شش تن دیگر شد، عمدی و هدفمند بوده است. درحالی که از زمان آغاز جنگ اسرائیل و حماس، بیش از بیست خبرنگار فلسطینی در غزه کشته شده‌اند، شماری از خبرنگاران و رسانه‌های فرانسوی خواستار گشودن نوار غزه بر روی مطبوعات بین‌المللی شدند.

گزارشگران بدون مرز، پس از بررسی ویدئوهای حمله جمعه ۱۳ اکتوبر به گروهی از خبرنگاران در جنوب لبنان، تحقیقات اولیه خود را منتشر کرد که نشان می‌دهد آن‌ها قربانیان جانبی نبوده، بلکه به صورت «هدفمند» مورد اصابت قرار گرفته‌اند.

بمباران منطقه مرزی میان اسرائیل و لبنان در حومه روستای علما الشعب، واقع در جنوب لبنان منجر به کشته شدن عصام عبدالله، فیلمبردار خبرگزاری رویترز و زخمی شدن چند تن دیگر شد. بلافاصله ارتش اسرائیل توسط شاهدان مختلف متهم به هدف قرار دادن روزنامه‌نگاران شد.



حملات سازمان‌های مذهبی به نیروهای امریکائی و...

مقامات امریکائی گفته‌اند در روزهای اخیر تا روز دوشنبه، ۲۳ بار به نیروهای این کشور در عراق و سوریه حمله شد؛ ۱۴ بار در سوریه و ۹ بار در عراق. حملات ترکیبی شامل پهپاد و راکت بوده است.

گروهی که خود را «مقاومت اسلامی عراق» می‌نامد، مسئولیت حمله روز دوشنبه به پایگاه نیروهای امریکائی در دیرالزور در شرق سوریه و حمله‌ای دیگر در عین‌الاسد در عراق را بر عهده گرفت.

این گروه در نخستین بیانیه خود نوشت پایگاه امریکائی در میدان نفتی و گازی کونیکو در حومه شمالی دیرالزور هدف عملیاتی بود. ساعاتی پس از آن، این گروه در بیانیه دیگری نوشت با دو فروند پهپاد به پایگاه عین‌الاسد حمله کرده است.

«کتاب حزب‌الله عراق» نیز که بخشی از «مقاومت اسلامی عراق» است و در غرب به عنوان بازوی وابسته به شاخه قدس سپاه پاسداران شناخته می‌شود، مشارکت نیروهای خود در حمله به عین‌الاسد را پذیرفته است.

ارتش اسرائیل اما بدون این‌که مسؤولیت بمباران موقعیت این گروه خبری در منطقه مرزی لبنان و اسرائیل را بپذیرد، بابت مرگ یک خبرنگار ابراز «تاسف» و اعلام کرد که مشغول بررسی در این باره است.

رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند پهبادی که بامداد سه‌شنبه بر فراز دریای سرخ منحرف و شکار شد، از سوی حوثی‌ها و از سواحل یمن برخاسته بود.

سخن‌گوی ارتش اسرائیل روز سه‌شنبه گفته بود که سامانه‌های دفاع هوایی این کشور پهباد را ساقط کردند و خطر برطرف شده است.

به گزارش رسانه‌های امریکائی، هفته گذشته ۱۵ پهباد از سواحل یمن به پرواز درآمد و چند راکت از این منطقه شلیک شد و مقامات نظامی امریکا احتمال دادند که هدف آن، ضربه به اسرائیل بود. ناو امریکائی کارنی در منطقه پهبادهای راکت‌ها را ساقط کرده بود.

مهدی المشاط، رئیس شورای عالی سیاسی انصارالله یمن، گروه مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران، در روزهای گذشته بر حمایت از فلسطینیان در جنگ جاری منطقه تاکید کرده است. او روز یکشنبه این هفته گفت «اتاق‌های عملیات مشترک» از «نیروهای مقاومت» در برابر اسرائیل تشکیل شده است.

رئیس جمهوری امریکا با اشاره به حمله این کشور به تاسیسات مرتبط با شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در شرق سوریه، گفت که نیروهای نظامی امریکا در صورت لزوم «آماده‌اند که اقدامات بیش‌تری» را در ارتباط با حمله گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی به پاسگاه‌ها و مواضع امریکا انجام دهند.

جو بایدن این موضوع را روز پنج‌شنبه در نامه‌ای به رهبران کنگره امریکا اعلام کرد. او با اشاره به حمله جنگنده‌های امریکا به تاسیسات نظامی مرتبط با سپاه پاسداران در سوریه نوشت: «هدف از این حملات، ایجاد بازدارندگی بود و به گونه‌ای انجام شد که خطر تشدید تنش را محدود و از تلفات غیر نظامیان جلوگیری کند.»

بایدن اضافه کرد: «من این حملات را به منظور محافظت و دفاع از نیروهای خود، مختل کردن حملات مداوم علیه ایالات متحده و شرکای ما، و باز داشتن ایران و گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران از انجام یا حمایت از حملات بیشتر به نیروها و امکانات امریکا انجام دادم.»

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، نیز در گفت‌وگویی با شبکه خبری ای‌بی‌سی نیوز که روز یکشنبه هفتم آبان پخش شد، با تاکید بر اظهارات جو بایدن، رئیس جمهوری امریکا، گفت که ایالات متحده به حملات جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی‌اش پاسخ خواهد داد.

به گفته مقامات، از ۱۵ مهر و آغاز جنگ حماس و اسرائیل در غزه، نیروهای امریکائی در عراق و سوریه بارها هدف قرار گرفته‌اند. این حملات تاکنون باعث زخمی شدن چهار نظامی و پنج پیمان‌کار نظامی امریکائی شده است.

مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به رویترز گفته‌اند که راهبرد ایران این است که نیروهای نیابتی در خاورمیانه مانند حزب‌الله حملات محدودی را علیه هدف‌هایی در اسرائیل و پایگاه‌های امریکا انجام دهند، اما از بالا گرفتن تنش‌هایی که ممکن است سبب درگیر شدن جمهوری اسلامی شود، پرهیز می‌کند.

مقامات جمهوری اسلامی که نخستین ساعات حمله نیروهای حماس به شهرک‌های مرزی اسرائیل و کشتن غیرنظامیان از آن حمله به‌عنوان یک پیروزی یاد کردند، به مرور و با بالا گرفتن تهدیدهای امریکا، هرگونه دخالت مستقیم

جمهوری اسلامی در حملات گروه حماس و دیگر گروه‌های به اصطلاح «مقاومت» به منافع امریکا و اسرائیل را تکذیب کردند.

موضع بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل

بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل روز دوشنبه ۸ آبان طی یک کنفرانس مطبوعاتی به صراحت اعلام کرد که اسرائیل با آتش‌بس موافقت نخواهد کرد. بر اساس گزارش «سی‌ان‌ان»، نتانیاہو در این کنفرانس مطبوعاتی موقعیت کنونی اسرائیل را با موقعیت امریکا بعد از حملات ارتش ژاپن به بندر پرل‌هاربر در سال ۱۹۴۱ و نیز حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، مقایسه کرد. نتانیاہو گفت: «من می‌خواهم موضع اسرائیل را در مورد آتش‌بس روشن کنم. همان‌طور که پس از بمباران پرل‌هاربر، یا پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده با آتش‌بس موافقت نکرد، اسرائیل نیز پس از حملات هولناک ۷ اکتوبر با توقف درگیری موافقت نخواهد کرد.» او افزود: «درخواست برای آتش‌بس یا درخواست از اسرائیل برای تسلیم شدن در مقابل حماس، که همان تسلیم شدن در برابر تروریست‌ها و بربریت است، اتفاق نخواهد افتاد.»

بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل در پاسخ به سؤال خبرنگاری که از او پرسید به‌خاطر افت شدید محبوبیت آیا وقت آن نرسیده که کناره‌گیری کنید گفت: «به استعفا فکر نمی‌کنم، به نایب‌کردن حماس فکر می‌کنم.»

رخدادهای غزه از شامگاه جمعه شتاب گرفته و با آغاز تهاجم زمینی گسترده اسرائیل، حملات هوایی و گلوله‌باران از خشکی و دریا با قطع ارتباطات از غزه برای حدود یک روز همراه شد.

همزمان نیز فراخوان‌ها برای تسهیل ورود کمک‌های بشردوستانه برای غیرنظامیان غزه که زیر بمباران مداوم اسرائیل قرار دارند، در حال افزایش است.

در چنین وضعیتی، می‌توان گفت که همه عناصر و قطعات پازل برای یک انفجار بزرگ در خاورمیانه آماده است. دولت اسرائیل، با حامیان بین‌المللی خود به‌ویژه امریکا، مصمم به تغییر جغرافیای خاورمیانه است. به‌نظر می‌رسد این‌بار دولت امریکا، مصمم است به هر قیمتی از اسرائیل دفاع کند و خودش نیز حضور فعال‌تر از گذشته در خاورمیانه داشته باشد.

جنگ هولناک اسرائیل علیه مردم غزه

دولت و ارتش اسرائیل به بهانه انتقام‌گیری از حملات ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، جنگجویان حماس به اسرائیل و کشتن اسرائیلی‌های بی‌گناه، در حال نابودی نوار غزه با همه ساکنان و سایر جانداران و طبیعت‌اش است. تاکنون هزارن بمب، حثیت از بمب‌های ممنوعه مانند بمب فسفوری را بر سر مردم غزه ریخته است.

تردید نیست که باید حمله حماس به اسرائیل و کشتار غیرنظامیان را باید شدیداً محکوم کرد اما نسبت به کشتار مردم غزه بی‌تفاوت بود. نباید فراموش کنیم که بیش از ۱۵ سال که غزه به یک اردوگاه اسرائیل تبدیل شده است. مهم‌تر از همه، نباید فراموش کرد که ۷۵ سال دولت اسرائیل با حمایت دولت‌های غربی و در راس همه حاکمیت امریکا، ۷۵ سال است که گاه و بی‌گاه و به‌هر بهانه‌ای مردم فلسطین را کشتار و آواره کرده است. فراموش نکنیم که سازمان‌هایی نظیر حماس و جهاد اسلامی، به‌طور غیرمستقیم دست‌پخت دولت و نهادهای امنیتی اسرائیل است.

واقعا چه نیرویی می‌تواند جلو پیشروی این جنگ ویرانگر را بگیرد؟

در چنین وضعیتی، واقعا چه نیروئی می‌تواند جلو پیشروی و گسترش این جنگ ویرانگر و خانمانسوز را بگیرد.

روز شنبه، لندن شاهد تظاهرات بزرگی بر علیه جنگ حماس و اسرائیل بود و معترضان خواهان قطع فوری این جنگ شدند. معترضان از گرایش‌های سیاسی و ملیت‌های مختلف در لندن پس از تجمع در یکی از خیابان‌های نزدیک به پارلمان این کشور، به سمت میدان ترافلگار راهپیمائی کردند. آن‌ها ضمن اهتزاز پرچم فلسطین، پلاکاردهائی را در محکومیت جنایات دولت اسرائیل در غزه حمل کرده و با سردادن شعارهائی مراتب اعتراض شدید خود را به حمایت تمام قد دولت‌های غربی به ویژه انگلیس از دولت تل‌آویو به نمایش گذاشتند.

به گزارش رسانه‌های بین‌المللی و انگلیسی، از جمله ایندپندنت، تعداد زیادی از مخالفان جنگ و حامیان صلح روز شنبه ۲۸ اکتوبر به خیابان‌های لندن پایتخت انگلیس آمده و با برگزاری تظاهراتی اعتراض‌آمیز علیه این جنگ، خواستار برقراری آتش‌بس در نوار غزه شدند.

به گزارش ایندپندنت، ارتباطات در نوار غزه به دلیل حملات شدید ارتش اسرائیل، قطع شده است و ارتباط جمعیت ۳/۲ میلیون نفری آن تا حد زیادی با یکدیگر و جهان خارج قطع شده است.

مطابق با گزارش ایندپندنت، بیش از ۱۰۰ جنگنده نیمه‌شب جمعه به شنبه، منازل فلسطینیان را در غزه مورد حمله قرار دادند.

شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی، در شعارهای خود آتش‌بس فوری در غزه، ارسال کمک‌های بشردوستانه به این منطقه و آزادی کامل فلسطین را خواستار شدند. همزمان شمار قابل‌توجهی از معترضان در داخل چندین ایستگاه مترو لندن تجمع کرده و شعار آزادی فلسطین را سردادند.

این سومین تظاهرات پیاپی در محکومیت دولت اسرائیل طی سه هفته گذشته در لندن بود که با وجود محدودیت‌های وضع شده از سوی مقامات دولت ریشی سوناک برگزار شد. انگلیس با چشم‌پوشی از جنایات وحشیانه دولت اسرائیل در غزه، مخالف برقراری آتش‌بس در این منطقه است. این درحالی است که تاکنون چندین طومار و نامه سرگشاده برای حمایت از طرح آتش‌بس به دولت لندن تحویل شده است.

امضاءکنندگان طوماری که در تارنمای پارلمان انگلیس منتشر شده است، هشدار داده‌اند که تداوم بمباران غزه می‌تواند به گسترش تنش‌ها در منطقه و تشدید بحران انسانی منجر شود. این طومار تا زمان انتشار این خبر ۱۵۷ هزار و ۵۳۸ امضاء جمع کرده و شمار آن به سرعت رو به افزایش است.

سخنرانان در تظاهراتی که روز شنبه ۲۸ اکتوبر ۲۰۲۳، با حضور نزدیک به نیم میلیون تن از حامیان فلسطین در قلب لندن برگزار شد، تصریح کردند که تاریخ جنایات وحشیانه ارتش اسرائیل در غزه را فراموش نخواهد کرد.

جرمی کوربین رهبر سابق حزب کارگر انگلیس، در سخنانی گفت: دو هفته پیش ما برای آتش‌بس در لندن راهپیمائی کردیم. هفته گذشته هم برای آتش‌بس راهپیمائی و امروز نیز برای آتش‌بس راهپیمائی کردیم.

وی با بیان این‌که قتل‌عام فلسطینیان باید پایان یابد، افزود: مردم غزه در خاموشی می‌میرند و این رویداد هولناک جبران‌پذیر نیست. این نماینده پارلمان انگلیس با هشدار به دولت‌های غربی، گفت که تاریخ کسانی را که چشم خود را روی کشتار فلسطینیان بسته‌اند، نخواهد بخشید.

کلودیا وب نماینده پارلمان انگلیس از منطقه لستر شرقی نیز در سخنانی، گفت: مردم غزه در تاریکی مطلق در حال نابودی هستند و سکوت ما خیانت به انسانیت است. وی عدم حمایت نخست وزیر و رهبر حزب اپوزیسیون انگلیس با طرح برقراری آتش‌بس در غزه را شرم‌آور خواند و هشدار داد که این منطقه دارد با خاک یکسان می‌شود.

اندی مکدانل نماینده منطقه میدلزبرو هم به قضاوت تاریخ درباره نسل‌کشی فلسطینیان اشاره و تصریح کرد: تا زمانی که عدالت برقرار نشود ما آرام نخواهیم گرفت.

دیگر سخنرانان شرکت‌کننده در این حرکت اعتراضی نیز، جنایات وحشیانه دولت اسرائیل در غزه را محکوم کرده و خواستار برقراری آتش‌بس فوری در این منطقه شدند.

لیندزی جرمن، عضو ارشد پویش ائتلاف ضد جنگ انگلیس و از برگزارکنندگان اصلی تظاهرات روز شنبه اعلام کرد که اعتراضات تا زمانی که لازم باشد و جنایات اسرائیلی‌ها در غزه پایان نیابد، ادامه خواهد داشت. شرکت‌کنندگان در این حرکت اعتراضی خواستار آتش‌بس فوری در غزه، ارسال کمک‌های بشردوستانه به این منطقه و آزادی کامل فلسطین شدند.

از آنجائی که جنگ تجربه ناخوشایندی بوده و تاریخ بشر نیز همواره با آن همراه بوده است و در عین حال قربانیان اصلی جنگ‌ها، مردم عادی کشورها هستند که در شعله‌ور کردن آتش جنگ کوچک‌ترین دخالتی نداشته‌اند.

در راستای این امر، در دوران جدید، انسان‌ها تحت تاثیر تحولات، ارتباطات و اطلاعات جهانی، خصیصه‌ای کسب نموده‌اند که آن را «خودآگاهی» و «همبستگی» نامیده‌اند؛ موضوعاتی که باعث رفتارهای یکسان انسان در سطح جوامع داخلی و بین‌المللی شده که نمود آن را در جنبش‌های اجتماعی شاهد هستیم.

در این رابطه، دیدگاه‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مخالف جنگ به‌عنوان بخشی از زندگی اجتماعی و سیاسی جوامع در دوران مدرن به امری کم و بیش عادی تبدیل شده‌اند، تا بدون ملاحظاتی و فرمان‌های دولتی برای جلوگیری از جنگ و ایجاد صلح و آرامش فعالیت کنند. شخصیت‌ها و تشکل‌های ضدجنگ یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین نیروهای سیاسی و اجتماعی هستند که در فقدان یا ضعف و یا بی‌تفاوتی جامعه سیاسی و تفکر و سیاست‌های استبدادی و جنگ‌طلبی و زیاده‌روی مقامات دولتی و سیاست‌مداران حاکم برای جلوگیری یا توقف جنگ و برقراری صلح وارد عرصه پیکار و کارزار اجتماعی شده‌اند.

جنبش ضدجنگ در واقع نمایانگر یاس و ناامیدی مردم از دولت‌ها و روندهای سیاسی رسمی برای ایجاد صلح پایدار می‌باشد و تلاش آنان برای ارائه طرح‌ها، الگوهای بدیل و خلق ابتکارات جدید اجتماعی است. عمده جذابیت این جنبش‌ها ناشی از نیروی اخلاقی و وعده‌ای است که برای رهائی از جنگ و برقراری صلح تبلیغی و ترویج می‌گردد.

در دهه‌های اخیر جنبش ضدجنگ تبدیل به یک نیروی سیاسی پر قدرت برای تغییر ماهیت سیاست عمومی و نفوذ بر تصمیمات دولت‌های ملی شده است. جنبش ضدجنگ، فضای سیاسی را تغییر داده است، به‌طوری‌که دیگر تاکید بر منافع ملی توسط حکومت‌ها، از سوی این جنبش پذیرفتنی نیست تا با استناد به آن از جنگ حمایت کنند. بنابراین، حوزه اعتراضات عمومی به سطح جدیدی ارتقا یافته و مخالفان جنگ‌های ناعادلانه تبدیل به عاملی مهم در برابر دولت‌ها شده‌اند.

یکی از اهداف اصلی این جنبش قطع جنگ‌هاست، اما آن‌ها اهداف دیگری فراتری هم دنبال می‌کنند برای مثال این جنبش تنها خواهان قطع جنگ علیه مردم غزه است بلکه فراتر از آن، خواهان به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین نیز هست.

در این جنبش گرایش‌های مختلفی سیاسی فعالیت دارند علاوه بر این که ستون فقرات این جنبش را اتحادیه‌های کارگری، تشکل‌های زنان، سازمان‌های دانشجویی، احزاب چپ و کمونیست، جنبش‌های روشنفکری مردمی، فعالان ضدجهانی شدن، فعالان صلح‌طلب بلکه برخی کلیساها هم و برخی افراد و نهادهای دیگری که تعلق به گرایش‌های چپ ندارند و یا افرادی که هیچ فعالیت و تعلق سیاسی ندارند را نیز شامل می‌شود. از این‌رو با توجه به این تنوع بسیار سخت است که

تصور کنیم جنبش اجتماعی می‌تواند یک اتحاد و همبستگی واحد سیاسی را شکل دهند. بنابراین، همان‌طور که از نام این جنبش برمی‌آید صرفاً جنبش ضدجنگ و خواهان صلح است و به همین دلیل نیز گاهی این جنبش خاموش است از جمله در دو سال گذشته، این جنبش از جمله علیه جنگ روسیه و اوکراین چندان فعال نبوده است. اما اکنون با جنگ خاورمیانه، این جنبش در حال رشد و گسترش و توسعه است.



تظاهرات صدها هزار نفری ضد جنگ در قلب لندن

تاریخ فعالیت جنبش‌های ضدجنگ

مخالفت اساسی با مداخله جنگی بریتانیا در امریکا باعث شد که مجلس عوام بریتانیا در ۲۷ فیوروری ۱۷۸۳ علیه جنگ بیش‌تر در امریکا رای دهد و راه را برای وزارت دوم راکینگهام و صلح پاریس هموار کند.

احساسات ضدجنگ قابل‌توجهی در امریکا، تقریباً بین پایان جنگ ۱۸۱۲ و شروع جنگ داخلی در آنچه که دوران قبل از آغاز جنگ داخلی نامیده می‌شود ایجاد شد. جنبشی مشابه در همین دوره در انگلستان شکل گرفت.

در دهه ۱۸۴۰، «آبراهام لینکلن» و دیگر منتقدان حمله به مکزیک، کاملاً معتقد بودند که مکزیک‌ها باید کشور خود را اداره کنند؛ ضمن این‌که کشور مکزیک آن زمان، مناطقی را شامل می‌شد که امریکائی‌ها به آن‌ها می‌گویند کالیفرنیا، آریزونا و نیومکزیکو.

در طول جنگ جهانی اول، ائتلاف گسترده‌ای از مخالفان جنگ معتقد بودند که پیروزی المان یا یک بن‌بست در جبهه‌های غربی و شرقی بین قدرت‌های مرکز (المان، امپراتوری اتریش-مجارستان، امپراتوری عثمانی و پادشاهی بلغارستان) و تفاهم مثلث (روسیه، فرانسه و انگلیس) بهتر از مرگ میلیون‌ها جوان در هر دو جبهه است.

مخالفت با جنگ جهانی دوم در دوره اولیه آن بسیار پر سر و صدا بود، و هنوز هم قبل از شروع آن قوی‌تر بود، در حالی که مماشات و انزواگرایی گزینه‌های دیپلماتیک مناسبی در نظر گرفته می‌شد.

در جریان جنگ ویتنام در خود امریکا بزرگترین جنبش ضد جنگ راه افتاد و توانست بر تصمیم سیاستمداران کاخ سفید و شخص ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت امریکا، آن‌چنان تاثیر بگذارد که آنان را در نهایت به خاتمه جنگ وادار کنند.

جنبش علیه جنگ ویتنام اولین تظاهرات جمعی خود را در ۱۷ آوریل سال ۱۹۶۵ برگزار کرد. حدوداً ۲۵ هزار نفر در کنار بنای یادبود واشنگتن گرد هم آمدند؛ کلاس‌های آموزشی در محوطه ده‌ها دانشگاه، بهار آن سال برگزار شد که استقبال خوبی هم از آنها به عمل آمد. این در حالی بود که تنها حدود ۳۰ هزار نیروی نظامی امریکا در جنوب ویتنام حضور داشتند. تعداد کمی از آن‌ها سربازان وظیفه بودند و تازه شروع به ایفای نقش فعال در مبارزه کرده بودند. از

سال ۱۹۴۰ که کنگره طرح نظام وظیفه را احیا کرد، اعتراضات هرچند اندکی نسبت به آن صورت گرفت. حتی تعداد کمی از صلح‌طلبان که از خدمت در طول جنگ جهانی دوم و جنگ کره خودداری کرده بودند به زندان فرستاده شدند. اما در اواخر دهه ۱۹۶۰، مخالفت با سرباز گیری همراه با گسترش تظاهرات ضدجنگ و از سوی دیگر افزایش بمب‌گذاری‌های بی‌فایده (برای توقف اعتراضات) و تقویت ارتش که رئیس‌جمهور لیندون جانسون دستور داده بود، افزایش پیدا کرد. صدها هزار جوان امریکائی در دوران جنگ ویتنام قوانین نظام وظیفه را نقض کردند؛ برخی از آنها با نوعی مصونیت از مجازات دست به یک چنین اقدامی زدند. شکوفائی جنبش صلح در دهه ۱۹۶۰ صرفاً به متوقف کردن یک جنگ منفور وابسته نبود. بسیاری از فعالان با استعداد و متعهد از دیگر جنبش‌های چپ و کمونیست ضدفقیر و خواهان آزادی‌های مدنی، خلع سلاح هسته‌ای و به خصوص آزادی سیاه‌پوستان به این جنبش پیوستند.



سال ۲۰۰۷، راهپیمائی معترضین به جنگ عراق به سوی ساختمان کنگره

کشتار صبرا و شکیلا

کشتار صبرا و شکیلا به مجموعه رویدادهائی گفته می‌شود که از ۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲ و در درازای جنگ داخلی لبنان، در «اردوگاه پناهندگان فلسطینی در لبنان» به وقوع پیوست و در آن شبه‌نظامیان فالانژ لبنانی (متحد اسرائیل) برای انتقام‌گیری از فلسطینیان به‌خاطر ترور بشیر جمیل، رئیس‌جمهور لبنان و رهبر حزب فالانژ (معروف به کتائب)، به دو اردوگاه صبرا و شتیلا در بیروت غربی وارد شدند و بین ۷۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر از فلسطینیان را به قتل رساندند. این عمل نیروهای فالانژ لبنانی با رهبری «ایلی حبیقه» که بعدها در دهه ۱۹۹۰ میلادی به عضویت مجلس نمایندگان لبنان درآمد و بعداً وزیر کابینه شد، انجام گرفت.

در ۶ ژوئن اسرائیل آتش‌بس ۱۹۸۲ یک ساله جنگ داخلی لبنان را شکست و حمله‌ای در خاک لبنان صورت داد. هدف اسرائیل از این حمله بیرون، راندن نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین از خاک لبنان و تشویق لبنان به انتصاب دولتی بود که با اسرائیل رابطه دوستانه و نزدیکی داشته باشد. این حمله به شکست نیروهای فلسطینی و سوری منجر شد. باقی‌مانده نیروهای فلسطینی در غرب بیروت مستقر شدند. پس از محاصره طولانی و بمباران در ماه‌های جولای و اوت، ۱۱۰۰۰ رزمنده فلسطینی اجازه یافتند بیروت را به سمت مقصدهای مختلف ترک کنند. تضمین‌های بین‌المللی برای حفظ امنیت این رزمندگان و وابستگان‌شان داده شد؛ اما با وجود این تضمین‌ها، ارتش اسرائیل که غرب بیروت را اشغال کرده بود به فالانژیست‌ها اجازه داد وارد اردوگاه‌های صبرا و شتیلا شوند. حزب فالانژ لبنان، از حزب‌های دست راستی لبنان است که متحد اسرائیل به حساب می‌آید. رهبر این حزب، بشیر جمیل، کوچکترین پسر «پیر جمیل» بود

که در دهه ۷۰ میلادی، با از میدان به در کردن گروه‌های شبه‌نظامی مسیحی رقیب، نیروهای نظامی مارونی را متحد و جایگاه خود را به‌عنوان رهبری مقتدر و بی‌رحم تثبیت کرده بود. در سال ۱۹۸۰ او رسماً رهبری حزب را برعهده گرفت. در اوت ۱۹۸۲، با وجود مخالفت مسلمانان لبنان که از او به‌خاطر خشونت‌های فرقه‌ای دل خوشی نداشتند، پارلمان لبنان او را به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کرد. در ۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲، ده روز پیش از آن که ریاست‌جمهوری بشیر رسماً آغاز شود او در یک بمب‌گذاری کشته شد. دو روز بعد، شبه‌نظامیان مسیحی به رهبری ایلی حبیقه از سوی ارتش اسرائیل اجازه یافتند به اردوگاه‌های پناهندگان «صبرا و شتیلا» وارد شوند.

نیروهای فالانژ لبنان از عصر روز پنج‌شنبه ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ با محاصره کامل اردوگاه صبرا و شتیلا به آن یورش برده تا صبح روز شنبه ۱۸ سپتامبر به کشتار در این اردوگاه ادامه دادند؛ کشته‌شدگان این واقعه فلسطینی و لبنانی بودند. نخستین واحد شامل ۱۵۰ فالانژیست پس از عبور از موانع اسرائیلی‌ها از در اردوگاه شتیلا وارد شدند که گروهی از آن‌ها افزون بر سلاح گرم، چاقو نیز به همراه داشتند. قتل‌عام فلسطینی‌ها به این ترتیب آغاز شد و حتی در شب نیز ادامه داشت. آن‌ها به زور وارد خانه‌های مردم شدند و فلسطینی‌های در خواب را به رگبار مسلسل بستند.

«غازی خورشید» در کتاب خود «تروریسم صهیونیستی در فلسطین اشغالی» می‌نویسد: در خیابانی جسد ۵ زن و چند کودک روی تلی از خاک افتاده بود ... از جمله یک زن که مثله شده بود و در کنارش سر بریده دخترکی با نگاهی خشمگینانه به قاتلانش دیده می‌شد. زن جوانی را دیدم در حالی که کودک شیرخواره خود را در آغوش گرفته، گلوله‌ها از بدنش عبور کرده و در بدن کودک شیرخوار او اجلاسه بود. «وجنات زین عبدالطیف» می‌گوید: در روز جمعه به بیمارستان غزه پناه بردم و آن‌ها ما را صبح شنبه محاصره کردند و فلسطینی‌ها را که شامل زنان و کودکان نیز می‌شدند از دیگران جدا کرده و به یک ورزشگاه بردند و در چاله‌هایی که بر اثر بمباران حفر شده بود انداخته و گفتند همه دراز بکشند. سپس بر روی همه آتش گشودند و در آخر با سه بولدوزر بر روی آن‌ها چه زنده و چه مرده خاک ریختند.

روزنامه‌ال‌سفریر به نقل از قاضی دادگاه نظامی وقت اسعد جرمانوس گفته در میان کشته‌های صبرا و شتیلا تعدادی زیادی غیر فلسطینی از جمله ۲۱ ایرانی وجود داشته است.

کمیته تحقیقاتی کاهان در اسرائیل درباره این قتل‌عام، تحقیقات خود را در فبروری ۱۹۸۲ میلادی آغاز کرد. این کمیته مستقل در نتایج تحقیقاتش آریل شارون را که فرمانده محلی نیروهای دفاعی اسرائیل در منطقه بود به دلیل سهل‌انگاری و دست‌کم گرفتن واکنش فالانژهای مارونی لبنان، مقصر اعلام کرد. کمیته کاهان به ریاست اسحاق کاهن رئیس وقت دادگاه عالی اسرائیل تشکیل شده بود.

در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با محکوم کردن کشتار آن را نسل‌کشی نامید. این قطع‌نامه با ۹۸ رای موافق در مقابل ۱۹ رای مخالف و ۲۳ رای ممتنع تصویب شد. تمامی نمایندگان دولت‌های دموکراسی‌های غربی به این قطع‌نامه رای ممتنع دادند. در سال ۱۹۸۳ کمیسیونی به ریاست شان مک‌برايد، رئیس وقت مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلام کرد اسرائیل به‌عنوان نیروئی که اردوگاه را تحت کنترل داشت، در این خشونت مقصر است. انتشار خبرهای کشتار صبرا و شتیلا در اروپا، باعث واکنش شدید مردم نسبت به اسرائیل شد. در ایتالیا کارکنان فرودگاه شرکت خطوط هوایی اسرائیل ال‌عال را تحریم کردند، نشان‌هایی با آرم ستاره داوود و صلب شکسته پخش شد و مردم شعار «نازیسرائیل» (ادغام‌شده واژگان نازی و اسرائیل) سر دادند. در فرانسه، آموزگاران یکی از بهترین دبیرستان‌ها تمامی کلاس‌ها را تعطیل کرده و طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور فرانسه خواهان قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با اسرائیل شدند.

پس از انتخاب آریل شارون به نخست‌وزیری اسرائیل، خانواده قربانیان کشتار با استناد به قانونی که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۳ در مورد نسل‌کشی رواندا اعمال شد، اقامه دعوی کردند. در ۱۲ فبروری ۲۰۰۳ میلادی دادگاه عالی بلژیک حکم به قابل پیگرد بودن نخست وزیر اسرائیل بدین جرم را داد. در حالی که اسرائیل آن را سیاسی خواند. در نهایت در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی به‌خاطر تغییراتی که در قوانین بلژیک از آغاز این حادثه ایجاد شده بود. دادگاه عالی بلژیک قرار منع تعقیب آریل شارون را برای اتهام جنایت جنگی صادر کرد و دلیل آن نداشتن تبعیت بلژیکی شاکیان در زمان وقوع حادثه اعلام شد.

در سال ۲۰۰۸ میلادی، آری فولمن کارگردان اسرائیلی، فیلم پویانمایی به نام «والس با بشیر» را بر اساس خاطراتش از رویدادهای کشتار صبرا و شتیلا را ساخت. فیلم والس با بشیر، یکی از امیدهای اصلی برای تصاحب نخل طلائی در شصت و یکمین دوره جشنواره فیلم کن، محسوب می‌شد. آری فولمن در آن‌زمان یک سرباز وظیفه در ارتش اسرائیل بود که در بیرون از اردوگاه‌های پناهندگان صبرا و شتیلا مستقر شده بود.

از تعداد کشته‌شدگان این فاجعه تاریخی آمار دقیقی در دسترس نیست چرا که به ادعای بازماندگان معهود فاجعه به غیر از گور دسته‌جمعی که در محل کشتار در منطقه الغبیری بیروت جنوبی برای قربانیان حفر شده، تعداد زیادی در اماکن دیگر مانند «ملعب الریاضی» مدفون شده‌اند. کشف این گورهای دسته‌جمعی چندان دشوار نیست، کافی است روزی دولت تصمیم بگیرد که طرح مترو بیروت را اجرا کند آن‌گاه است که ابعاد کشتار معاصر فلسطینی آشکار می‌شود.

اما در میان قربانیان کشتار ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا تعداد زیادی غیر فلسطینی نیز وجود دارند که روزنامه السفير چاپ بیروت پس از گذشت سه دهه از آن پرده برداشت و در میان کشته‌شدگان این فاجعه هولناک، ۲۱ ایرانی نیز وجود داشتند که در همه این سال‌ها هیچ سخنی از آن‌ها در هیچ جا گفته نشده است!

منبع خبر روزنامه السفير گزارش رسمی قاضی دادگاه نظامی وقت اسعد جرمانوس است که هیچ‌گاه منتشر نشده است. اینکه چرا در آن زمان این گزارش ناپدید شد کاملاً روشن است. دادگاه نظامی لبنان زیر نظر رئیس جمهور این کشور فعالیت می‌کند که بر مبنای قانون اساسی این کشور باید از میان مسیحیان مارونی انتخاب شود؛ رئیس جمهور آن زمان لبنان کسی نبود جز امین جمیل، رهبر کنونی حزب کتائب که نظامیان تحت فرماندهی پدرش پیر جمیل (رهبر وقت حزب) به‌همراه یگان‌هایی از شبه‌نظامیان قوات لبنانی به فرماندهی سمیر جعجع و حزب مسیحی ملی‌گرایان آزاد به رهبری کمیل شمعون و شبه‌نظامیان وابسته به سعد حداد مرتکب آن جنایت هولناک شدند و طبیعی است که امین جمیل مانع از انتشار گزارشی شود که پدر و حزب متبوعش محکوم شوند.

بنابر این باید افرادی مانند ایلی حقیبه ترور می‌شدند تا متهمین اصلی در پشت خط قرمز عدالت آسوده باشد. طبق خبر روزنامه السفير، شکی نیست این ۲۱ مبارز ایرانی در شب تاریک ۱۶ سپتامبر حومه جنوبی بیروت برای دفاع از اردوگاه و جلوگیری از قتل‌عام زنان و کودکان بی‌دفاع وارد اردوگاه فلسطینیان شده بودند.

این‌که این جوانان ایرانی در آن سال‌ها در لبنان چه می‌کردند تاریخ نانوشته‌ای نیست و با رجوع به تاریخ سال‌های آغازین دهه شصت خودمان می‌توان به چرائی آن پی برد. یعنی رزمندگان ایرانی مخالف حکومت پهلوی بودند که در قالب گروه‌های کوچک چریکی راهی اردوگاه‌های سازمان‌های فلسطینی چپ می‌شدند تا آموزش‌های چریکی ببینند.

السفير از اسامی این جانباختگان ایرانی و محل دفن آن‌ها هیچ اطلاعاتی منتشر نکرده است، اما آیا در ایران نیز کسی از این پیکارگران ایرانی، نام و نشانی در دست ندارد روشن نیست؟

جنگ زمینی اسرائیل علیه غزه

اسرائیل اکنون خود را آماده تهاجم زمینی گسترده به نوار غزه می‌کند. جایی که محل زندگی ۵/۲ میلیون انسان است. مردم رنج‌دیده‌ای که سال‌هاست محاصره هستند و جایی ندارند که بروند. مردم غزه در شرایط کنونی از آب، برق، و مواد دارویی و غذایی محروم هستند. جنگ زمینی در غزه برای ارتش اسرائیل که تجربه به جنگ در مناطق شهری و متراکم ندارد، بسیار دشوار است. این ارتش حتی در جاهایی که زمین به‌دلیل بمباران هوایی اسرائیل با خاک یکسان شده نیز با مشکلات جدی روبه‌رو است.

شبکه پیچیده تونل‌های نوار غزه و ارتباط آن‌ها با مناطق مرزی مجاور با اسرائیل، حامل چالش‌های جدی برای اسرائیل است. شبکه‌ای که جابه‌جایی نیروها و تسلیحات و امکانات حماس را برای آن آسان کند و آن‌ها را از خطر حملات هوایی، راکتی و فعالیت‌های جاسوسان اسرائیلی در امان نگه می‌دارد. ارتش اسرائیل به خوبی آگاه است که اگر بخواند با نیروهای حماس در تونل‌های این سازمان درگیر شود، به هیچ عنوان برای این ارتش که تا حد زیادی وابسته به توان هوایی خود است، کار ساده‌ای نخواهد بود. در یک چنین جنگی از حیث جانی و مادی حامل تلفات سنگینی برای اسرائیل خواهد بود. نیروهای حماس به دلیل اشراف و آشنائی و جب به وجب جغرافیائی خود بر منطقه نوار غزه و همچنین آشنائی با جنگ شهری، تا حدودی دست بالا را در جنگ زمینی با اسرائیلی‌ها دارند. حتی جو بایدن رئیس جمهور امریکا نیز به صراحت گفته است که این گزینه واقع‌بینانه نیست. مهم‌تر از همه این‌که حتی اگر اسرائیل کل نوار غزه را اشغال کند و به ادعای خود حماس را نیز نابود کند، این موضوع برای آن، امنیت فراهم نخواهد کرد.

تمام دولت‌های جهان با هم و در سکوت شهروندان، بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار برای تهیه جنگ افزار خرج می‌کنند، که دقیقه‌ای ۱ میلیون دلار می‌شود. جنگ و آماده بودن برای آن، تقریباً ۱۰ درصد تولید کل جهان از کالا و خدمات را به‌خود می‌گیرد. این مقدار، معادل کل تولید ناخالص ملی متجاوز از نیمی از جمعیت جهان است. به گفته «ایرل راونال»، تحلیل‌گر پیشین دپارتمان دفاع امریکا، کمتر از ۳۰ درصد تمامی بودجه دفاعی امریکا در راه دفاع مستقیم از کشور امریکا و منافع اساسی آن خرج می‌شود و بقیه آن در جهت تلاش ملی امریکائیان در حفظ حضور نظامی در سراسر جهان صرف می‌گردد.

آنچه درباره این آمار و ارقام باید تاکید کرد این است که بیش‌تر آن‌ها به حد قابل‌توجهی از آنچه واقعیت است، کمتر نشان داده می‌شوند؛ زیرا از آنجا که نقل و ذکر آمار و ارقام حقیقی باعث قیام و اعتراض عمومی می‌شود، از دولت‌های کشورهای پیشرفته گرفته تا پیرامونی و در حال توسعه، تلاش می‌کنند تا با اطلاع‌رسانی کاذب به مردم، همچنان بتوانند به تولید هر چه بیش‌تر سلاح‌های جنگی مشغول باشند.

از سوئی تجارت اسلحه در ذات خود ماهیتی سری دارد و کار پژوهش‌گر را بسیار دشوار می‌سازد. علاوه بر این، بحث عمومی و گسترده‌ای است؛ به طوری که بیش از ۱۵۰ کشور جهان و صدها کمپانی و هزاران دلال را شامل می‌شود. بعضی دلالان اسلحه در بخش خصوصی دول بزرگ، پس از خاتمه هر جنگ، از طرفین درگیر، سلاح‌های به کار گرفته نشده و یا قدری معیوب را خریده و پس از تعمیر، در بازار آزاد جهان عرضه می‌کنند که این نوع فروش‌ها در آمارهای رسمی جایی ندارد.

به فهرست سلاح‌های کشتار جمعی اتمی و مرگبار که در کشورهای متمدن و توسعه یافته برای صدور به خارج تولید می‌شود، بمب‌های میکروبی را هم باید افزود.



«مایک آرونسون» مدیر ماورای دریاها و گروه خیریه نجات کودکان می‌گوید: ۹ تن از هر ۱۰ تن تلفات جنگی داخلی، غیرنظامیان هستند و کودکان، اغلب، تلفات اصلی را تشکیل می‌دهند. بنابر گزارش این گروه، ۴ میلیون کودک، در جریان ۱۰۰ مناقشه در طول دهه گذشته، معلول، ناشنوا، نابینا یا دچار اختلالات عصبی شده اند. ۱۲ میلیون کودک، خانه و کاشانه خود را از دست داده اند. ۵ میلیون کودک، در اردوگاه های آوارگان زندگی می کنند و یک میلیون کودک، جدا از والدین خود به سر می برند و خلاصه، هزاران هزار کودک در افغانستان، لواندا، آنگولا، لیبیریا، کامبوج و دیگر کشورها، یا آواره‌اند و یا به کارهای سخت تن در می‌دهند.

دنیای مدرن و پیشرفته، اینک جنگ را به ساحت فضا کشیده است. ارتش‌های رقیب تعداد کثیری از کشورها، در حال حاضر آنقدر به راکت و ماهواره وابسته شده‌اند که دیگر نمی‌توان تصور کرد بتوانند از آسمان‌ها چشم‌پوشند. بی‌کرانی فضا عاملی است مهم در نوع جنگی که در آینده خواهیم داشت.

مردم ناآگاه هنوز روبات‌های رزمنده را با فیلم‌های علمی تخیلی نداعی می‌کنند. با این همه، متفکران نظامی سراسر جهان به این تکنولوژی از دیدی تازه نگاه می‌کنند. اینان می‌گویند شرایط نوین به انگیزه‌هایی قوی‌تر از همیشه برای روباتی کردن خواهد انجامید.

اکنون اسرائیل از بمب‌های اسفنجی جدید برای نبرد از طریق شبکه تونل‌های حماس در زیر غزه استفاده خواهد کرد. اسرائیلی‌ها بمب‌های شیمیایی‌ای را آزمایش می‌کنند که حاوی مواد منفجره نیستند اما برای مسدود کردن شکاف‌ها یا ورودی‌های تونل‌هایی که ممکن است جنگجویان حماس از آنجا خارج شوند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

به گزارش دیلی تلگراف، ارتش اسرائیل در مورد استفاده از به اصطلاح «بمب اسفنجی» که باعث انفجار ناگهانی فومی شکل می‌شود، اظهار نظری نکرده است. کارکرد این بمب به گونه‌ای که مواد آن به سرعت منبسط شده و سپس سخت و سفت می‌شوند. سربازان اسرائیلی از این ابزار تازه در طول مانورهای سال ۲۰۲۱ میلادی استفاده کرده‌اند.

کارشناسان معتقدند که نیروهای نظامی اسرائیلی احتمالاً در زمان آغاز تهاجم زمینی علیه غزه با نبردی خونین از طریق تونل‌های زیرزمینی حماس معروف به «مترو غزه» مواجه خواهند شد. تصور می‌شود که این شبکه صدها مایل طول دارد و از طریق تله‌های کارگذاری شده به‌شدت متراکم شده است.

بسیاری از تونل‌ها زیر سازه‌های غیرنظامی با نقاط ورود و خروج در خانه‌ها و امتداد یافته به دیگر ساختمان‌های غیرنظامی هستند که حمله اسرائیل به آن‌ها، احتمالاً با محکومیت بین‌المللی مواجه خواهد شد.

یک تونل استاندارد حدود ۲ متر ارتفاع و ۱ متر عرض دارد امری که امکان ساخت سریع آن‌ها را فراهم می‌سازد. تونل‌ها گاهی اوقات با بتن و فلز تقویت می‌شوند اما به‌طور خاص پیچیده نیستند.

«فسفر سفید» سلاح وحشتناکی است که این روزها به‌طور مداوم توسط ارتش اسرائیل بر ضد مردم نوار غزه استفاده می‌شود. اما چرا این سلاح و تبعات استفاده از آن، به این حد محکوم شده است؟

«فسفر سفید»، از جمله مشتقات «فسفر» است که در امور نظامی برای اموری مثل ایجاد پرده دود به منظور استتار، مشخص کردن نقطه‌ای خاص به‌ویژه برای یگان‌های توپخانه و همچنین به‌عنوان سلاحی آتش‌زا به کار می‌رود. علاقه‌مندان به رشته شیمی مطلعند که ماده فسفر از جمله موادی به شمار می‌آید که میل بالائی به ترکیب با هوا و ایجاد نور و گرمای شدید دارد. این ماده از قرن ۱۹ میلادی به این طرف به‌عنوان سلاح مورد استفاده قرار گرفته و در دو جنگ جهانی، جنگ ویتنام، عراق، افغانستان و جنگ غزه در حجم بالا مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده در حالت عادی به مانند موم نرم است و بوئی شبیه به بوی سیر دارد. در گزارش‌های منتشرشده از قربانیان غزه به مسأله‌ی به مشام رسیدن این بوی بد اشاره شده است. این ماده پس از انفجار گلوله حاوی آن که معمولاً در ارتفاع بالاتر از سطح زمین رخ می‌دهد با اکسیژن ترکیب شدن و اصطلاحاً عمل «اکسید شدن» با سرعت بسیار بالا آغاز می‌شود.

اگر به تصاویر منتشرشده از غزه دقت کنید ابتدا نوری زردرنگ در محل انفجار و سپس دودی سفیدرنگ را مشاهده می‌کنید که این مسأله ناشی از واکنش شدید فسفر سفید با اکسیژن است. به دلیل همین قابلیت در هنگام عملیات‌های شبانه نیز از این ماده برای روشن کردن منطقه مورد نظر نیز استفاده می‌شود.



بمب فسفوری مشابه بمب ناپالم است، با این تفاوت که اگر فرد بتواند از ناپالم جان سالم به در ببرد؛

از بمب فسفوری هرگز نمی‌توان فرار کرد

بخش‌های مختلف گلوله مربوط پس از انفجار به صورت ترکشی به اطراف پرتاب‌شده و حرارتی در حدود ۲۷۶۰ درجه سانتی‌گراد می‌سوزند. این ماده می‌تواند حتی به‌عنوان سلاح ضد زره نیز به کار به رود، زیرا که این حرارت بالا به راحتی می‌تواند زره تانک را نیز سوراخ کند.

نکته مهم در مورد فسفر سفید این است که این ماده تا زمانی که بر اثر سوختن به اتمام نرسد قابل خاموش شدن نیست و به سوختن ادامه می‌دهد. در زمان جنگ جهانی دوم به سربازان دستور داده شده بود که در صورت مورد اصابت قرار گرفتن با فسفر سفید به سرعت با سرنیزه خود ماده سوزان به‌همراه پوست و گوشت اطراف آن را جدا کنند و گرنه این ماده می‌تواند کل نسوج بدن انسان را به‌طور کامل بسوزاند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، سوختگی حاصل از فسفر سفید از نوع درجه دو و سه بوده و بسیار دردناک است و موجب پدید آمدن زخم‌های بسیار وحشتناکی نیز می‌شود.

حتی به سربازان توصیه شده لباس‌هایی که به این ماده آغشته شده را به سرعت از بدن قربانی خارج کرده و دور اندازند. پس از خروج ماده مورد نظر از بدن مصدوم نیز توصیه می‌شود که اگر کمک‌های پزشکی در دسترس نبود به سرعت بخش‌های آسیب‌دیده با آب سرد به صورت دائم شست‌وشو داده شود تا درجه حرارت کاهش بیابد. اما خطر فسفر سفید، تنها به این‌جا ختم نمی‌شود؛ دود حاصل از فرآیند اکسید شدن این ماده شدیداً سمی بوده و به همین دلیل می‌تواند به چشم، اندام‌های تنفسی، قلب، کلیه و جگر نیز آسیب وارد کند. دوزی در حدود ۱۵ میلی‌گرم از این ماده در صورت ورود مستقیم به دهان انسان کشنده می‌باشد.

بر اساس «کنوانسیون ژنو» مهمات فسفر سفید جز مهمات «آتش‌زا» محسوب شده و هر نوع به کارگیری و استفاده از آن در مناطقی که غیرنظامیان در آن حضور دارند ممنوع می‌باشد. البته مردم غزه تنها قربانیان این سلاح وحشتناک نیستند، مردم فلوجه عراق در سال ۲۰۰۴ توسط نظامیان امریکائی، شیعیان یمنی توسط نظامیان آل‌سعود، مردم لبنان در جنگ ۳۳ روزه و همچنین مردم افغانستان از جمله دیگر قربانیان به کارگیری فسفر سفید بوده‌اند. البته دولت اسرائیل با بی‌توجهی آشکار به ممنوع بودن استفاده از این سلاح بر علیه غیرنظامیان به این عمل ادامه داده و به کشتار مردم غزه مشغول است.

اکنون وزارت دفاع اسرائیل در بیانیه‌ای گزارش داد که از ۷ اکتوبر که گردان‌های عزالدین القسام، شاخه نظامی حماس، عملیات «طوفان الاقصی» را آغاز کردند، ۱۰۰۰ تن سلاح و مهمات به اسرائیل آورده شده است. در بیانیه این وزارتخانه آمده است: یک هواپیمای باری حامل آمبولانس‌های نظامی و تجهیزات پزشکی صبح امروز در فرودگاه رامون در جنوب اسرائیل به زمین اجلاس. این چهل و پنجمین هواپیمای حامل تجهیزات از ۷ اکتوبر به اسرائیل است.

این وزارتخانه خاطرنشان کرد که از ۷ اکتوبر تاکنون ۱۰۰۰ تن سلاح و مهمات توسط این هواپیماها به اسرائیل آورده شده است.

وزارت دفاع اسرائیل اطلاعاتی مبنی بر این‌که آیا کمک‌های نظامی ایالات متحده در این داده‌ها لحاظ شده یا خیر نداده است.

امریکا کمک‌های نظامی متشکل از مهمات و خودروهای زرهی را با ۲ هواپیمای باری به اسرائیل ارسال کرده بود. اما برخی تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که بهترین گزینه جهت خاتمه دادن به جنگ جاری، آغاز فرآیندهای سیاسی است. فرآیندهای سیاسی که باید طولانی‌ترین اشغال در تاریخ مدرن بشریت را به‌نحوی جدی مخاطب قرار دهند اما البته که نتان‌یا هو هرگز مایل به پذیرش این گزینه نیست.

مخارج نظامی در سراسر جهان کنونی، در هر دقیقه، بالغ بر دو میلیون دلار امریکائی است؛ در حالی که بیش‌تر از دو میلیارد نفر از جمعیت کره زمین در بینوائی و فقر زندگی می‌کنند و پانصد میلیون نفر از این عده، غذای کافی ندارند و همیشه گرسنه هستند!

خرج تنها یک زیردریائی اتمی امریکا، برابر با بودجه سالانه آموزش و پرورش دوازده کشور در حال توسعه است. با بهای یک زیردریائی اتمی، نیز می‌توان هزاران مدرسه در جهان سوم ساخت.

امروزه با بهای یک تانک زره پوش می‌توان ۱۰۰ هزار تن برنج که مصرف سالانه نیم میلیون نفر در کشورهای جهان سوم است فراهم، و یا ۱۰۰۰ کلاس درس برای ۳۰ هزار دانش آموز بنا نمود.

بهای یک هواپیمای نوع جدید امریکائی، مساوی است با مخارج تاسیس ۴۰ هزار داروخانه کوچک در روستاها.

با نیم درصد مخارج نظامی، می‌توان سالانه به اندازه‌ای وسایل و ابزار کشاورزی برای کشورهای عقب‌نگاه داشته شده، فراهم کرد که ظرف چند سال در زمینه تولید مواد غذایی خودکفا شوند.

نوار غزه یک منطقه کم‌عرض به وسعت ۳۶۰ کیلومتر مربع در ساحل مدیترانه است که از دو طرف با اسرائیل و از یک طرف دیگر با مصر هم‌مرز است. اسرائیل از نزدیک به ۱۶ سال پیش این سرزمین را محاصره کرده است و ورود و خروج از آن را به‌شدت کنترل می‌کند.

سلاح‌های حماس

با وجود چنین محدودیت‌هایی، این سؤال مطرح است که حماس تسلیحات نظامی مورد استفاده در این حمله را از کجا و چگونه تأمین کرده است؟

سی‌ان‌ان در گزارشی به نقل از کارشناسان مختلف، می‌نویسد حماس برای تأمین تسلیحات نظامی خود ترکیبی از نبوغ، ابتکار، سرسختی و بهره‌گیری از یک مشاور خارجی را به کار بسته است.

این رسانه خبری امریکایی به بخشی از «کتاب حقایق جهانی سازمان سیا» ارجاع می‌دهد که در آن آمده است: «حماس سلاح‌های خود را از طریق قاچاق یا ساخت‌وساز محلی به دست می‌آورد و از ایران حمایت نظامی دریافت می‌کند.»

علی برکه، یکی از مقام‌های ارشد حماس، در مصاحبه‌ای با بخش عربی شبکه خبری روسیه تودی، جزئیاتی از ساخت تسلیحات حماس بر ملا کرد.

علی برکه، رئیس روابط ملی حماس، گفت: «ما برای همه چیز (تسلیحات نظامی) کارخانه‌های محلی داریم. ما کارخانه‌های تولید راکت‌هایی با بردهای ۱۰ کیلومتر، ۸۰، ۱۶۰ و ۲۵۰ کیلومتر و خمپاره و گلوله‌های آن را داریم ... ما کارخانه (تفنگ) کلاشنیکف و گلوله‌های آن را داریم. ما گلوله‌ها را با اجازه روس‌ها تولید می‌کنیم.»

اما سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا)، گفته که غزه هیچ‌یک از صنایع سنگینی را که در بیش‌تر نقاط جهان برای تولید تسلیحات مورد نیاز است، ندارد. صنایع اصلی غزه به منسوجات، فراوری مواد غذایی و میلمان محدود می‌شود.

آهن‌قراضه‌های عمدتاً به جا مانده از ویرانه‌های پیشین حملات اسرائیلی‌ها، یکی از صادرات اصلی غزه محسوب می‌شود و گمان می‌رود که حماس در ساخت تسلیحات در شبکه تونل‌های زیرزمینی غزه، از این آهن‌قراضه‌ها استفاده کرده باشد.



پیش‌تر احمد فواد الخطیب در موسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، نوشته بود: «لوله‌های فلزی، میل‌گردها، کابل‌های و سیم‌های برق و دیگر اقلامی بازیافتی از ویرانه‌های باقی مانده از حمله هوایی اسرائیل به زیرساخت‌های غزه، به کارگاه‌های اسلحه‌سازی حماس راه یافت و از آن‌ها در تولید راکت و سایر مهمات استفاده شد.»

الخطیب می‌افزاید بازیافت مهمات منفجر نشده ارتش در عملیات‌های نظامی مختلف اسرائیل در غزه نیز به زنجیره تامین تسلیحات نظامی حماس راه یافت. روندی که یک‌شنبه روی نداده و احتمالاً پیشینه‌اش به اندازه سال‌ها راکت‌باران و گلوله‌باران این سرزمین است.

شگفتی بیش‌تر حمله حماس به بخش پشتیبانی و تدارکات آن بازمی‌گردد. به گفته آرون پیلکینگتون، تحلیل‌گر نیروی هوایی ایالات متحده در امور خاورمیانه، نکته غافلگیرکننده موضوع این است که «حماس چگونه دور از دید سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل، مصر و دیگر کشورها، و بدون هدایت ایران، توانسته است هزاران راکت را ذخیره، جابه‌جا، آماده و شلیک کند.»

به‌گفته تحلیل‌گر موسسه خاورمیانه در واشینگتن، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران آموزش سازندگان تسلیحات حماس را به عهده دارد. لیستر می‌افزاید: «مهندسان راکتی حماس بخشی از شبکه منطقه‌ای ایران هستند، از این‌رو، آموزش و تبادل نظر دائم، بخشی از تلاش‌های ایران برای حرفه‌ای کردن نیروهای نیابتی خود در سراسر منطقه است.»

سی‌ان‌ان در ادامه می‌نویسد این‌که حماس توانسته است مواد خام این سلاح‌های بومی را تامین کند، از نیوغ و تدبیر این گروه حکایت دارد.

احتمال سرایت جنگ به بلندی‌های جولان

نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی و دولت سوریه و حزب‌الله لبنان می‌توانند جبهه جدید را در بلندی‌های جولان علیه اسرائیل بگشایند. حوثی‌های یمن مشک‌هائی را به سوی نیروهای امریکا پرتاب کرده‌اند. حشدالشعبی در عراق چندین بار به پایگاه‌های امریکائی در عراق حمله‌ور شده‌اند. امریکا نیز به تازه‌گی دو مرکز نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی ایران در سوریه را بمباران کرده‌اند.



بلندی‌های جولان مساحتی حدود ۱۸۰۰ کیلومتر دارد. ۱۲۰۰ کیلومتر آن توسط اسرائیل اشغال شده. مساحتی کم‌تر از دو برابر شهر تهران. اما با این حال دهه‌ها تلاش بین‌المللی موجب نشده تا اسرائیل از این تکه خاک متعلق به سوریه دست بکشد؛ اصراری مهم که ریشه در موقعیت استراتژیک این محل دارد.

اسرائیل از زمان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۷ میلادی (حدود ۵۶ سال پیش) این بخش از خاک سوریه را در اشغال خود دارد.

موقعیت بلندی‌های جولان در جنوب سوریه و در هم‌مرزی با اسرائیل یک موقعیت استثنائی است. از بالای این منطقه، بخش بزرگی از جنوب سوریه و حتی شهر دمشق در ۶۰ کیلومتری شمال جولان قابل رویت است.

به این ترتیب، خاورمیانه از بغداد تا غزه در آتش تنش‌ها می‌سوزد؛ اما هنوز ترسناکترین درگیری ممکن در منطقه رخ نداده است. تاکنون جنگ بین اسرائیل و ایران، به نژادهای نیابتی جمهوری اسلامی در سوریه و عراق و یمن محدود است اما همچنان چشم‌انداز حمله اسرائیلی به تاسیسات هسته‌ای ایرانی هم وجود دارد که می‌تواند کل منطقه را به جنگی ویرانگر سوق دهد. همچنین احتمال وجود برخی تحریک‌های دیگر هم وجود دارد. شاید یک حمله حزب‌الله به اسرائیل و بعد هم شاید به مداخله جمهوری اسلامی ایران منجر شود. یا شاید هم ایران و اسرائیل بر سر سوریه، شدیدتر با یکدیگر درگیر شوند یا شاید مسأله فقط درک اشتباهی از شرایط یا اشتباه محاسباتی و اتفاقی باشد. به هر حال، مسأله این است که درگیری تهران و تل‌آویو در یک درگیری تمام عیار بسیار هشداردهنده و نگران‌کننده است. به خصوص موضع اخیر امریکا در رابطه با حمایت به هر بهائی از اسرائیل، هشداردهنده است.

امریکا دو گروه ناو هواپیمابر را به شرق مدیترانه اعزام کرده است که نشان می‌دهد دولت بایدن در رابطه با وقایع خاورمیانه، تصمیماتی جدیدی اتخاذ کرده است. همان‌طور که جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی امریکا گفت: «ما پیامی با صدای بلند و واضح ارسال می‌کنیم: ایالات متحده آماده است تا در صورتی که هر بازیگر متخاصم با اسرائیل تلاش برای تشدید یا گسترش این جنگ را مد نظر داشته باشد، اقدام کند.»

بنابراین، همه قطعات پازل برای یک انفجار بزرگ در خاورمیانه آماده است. دولت اسرائیل که مصمم به پایان دادن به حضور حماس در غزه است اما مردم بی‌دفاع و رنج‌دیده فلسطینی در غزه را هدف قرار داده است.

چندین سازمان از جمله هلال احمر فلسطین، سازمان بهداشت جهانی، پزشکان بدون مرز و عفو بین‌الملل اعلام کرده‌اند که ارتباط خود را با نوار غزه از دست داده‌اند.

همزمان با گسترش و تشدید عملیات نظامی زمینی و هوایی اسرائیل، ارتباطات تلفنی و اینترنتی غزه با دنیا قطع شد. درحالی که ۱۲۰ کشور در قطع‌نامه‌ای غیرالزام‌آور خواستار برقراری «آتش‌بس بشردوستانه فوری» شدند، اسرائیل می‌گوید مصمم است تا حماس را نابود کند. سازمان ملل نسبت به مواجه شدن با «بهمنی از رنج‌های انسانی» در نوار محاصره شده غزه هشدار داده است.

تا زمانی که ارتش اسرائیل به‌طور همه‌جانبه وارد غزه شوند همه این احتمالات که اشاره کردیم یک بحث نظری است، زیرا همه طرف‌ها منتظرند ببینند طرف مقابل چه می‌کند. این ممکن است آرامش قبل از طوفان باشد.

جمع بندی

اسرائیل از زمان حمله حماس در ۱۵ مهر که طی آن حداقل ۱۴۰۰ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ نفر گروگان گرفته شدند، محاصره غزه را تشدید و حملات هوایی، دریایی، و زمینی علیه غزه را آغاز کرد.

جنگ کنونی اسرائیل علیه نوار غزه، عملاً جنگ دولت اسرائیل نه تنها صرفاً علیه حماس، بلکه به‌معنای واقعی علیه کودکان و زنان و افراد سال‌خورده‌گان است. ارتش اسرائیل در حملات مداوم خود به نوار غزه، تاکنون موجب مرگ بیش از ۱۰۰۰ کودک شده است.

جالب این‌که رئیس‌جمهور اسرائیل نیز مدعی شده که غیرنظامیان غزه، همدست حماس هستند و درست به‌همین دلیل، مستحق آن چیزی هستند که اکنون با آن روبه‌رو هستند. حال سخن نتان‌یا هو توجه کنیم: «نابود کردن حماس»، اما نابود کردن حماس در میدان واقعیت، دقیقاً به چه معناست؟

حماس مانند از پایگاه نظامی و تانک و هواپیما برخوردار نیست. فرماندهان آن نیز در مرکز نظامی، جنگ را هدایت نمی‌کنند. حماس پایگاه هوایی، سامانه‌های راداری و تجهیزات جاسوسی پیشرفته، پایگاه‌های زمینی، دریایی و همچنین

مقرهای متنوع برای این که بمباران شوند، ندارد. از هر منظری که بنگریم، نیروهای نظامی حماس در مقایسه با ارتش اسرائیل که کاملاً به مدرن‌ترین سلاح‌های پیشرفته زمینی و هوایی و دریایی مجهز است، از توان کمی و کیفی بسیار ضعیف و کمتری برخوردارند. این سازمان به سختی به تسلیحات موجود خود دسترسی پیدا می‌کند، چه برسد به این که بخواهد با طیفی از تسلیحات مدرن امریکائی، انگلیسی، اروپائی و اسرائیلی مواجه شود. حماس حتی راکت‌هایش را مونتاژ می‌کند و برای پرتاب آن‌ها نیز سامانه‌های راداری ندارد. حماس حتی هیچ ایست بازرسی در غزه ندارد. این سازمان، یک جریان غیرمترکز و تنها توان عملیات محدود چریکی دارد.

به این معنی، ادعاهای اسرائیل، مدعی شود که فلان میزان از تاسیسات و توانمندی‌های حماس را نابود کرده است چندان واقعیت ندارد.

تنها متر و معیار موفقیت حماس در نوار غزه، بهانه‌ای است که با حملات ۷ اکتوبر به دست اسرائیل داد. چرا که دولت نتان‌یا هو از سوی مردم معترض صدها هزار نفری اسرائیل، به شدت تحت فشار بود به طوری که نهایتاً مجبور بود استعفا دهد و در این صورت احتمال داشت که خود نتان‌یا هو نیز مورد محاکمه قرار گیرد. میزان کشتاری است که دولت اسرائیل علیه غیرنظامیان نوار غزه انجام می‌دهد و یا این منطقه را ویران می‌کند در هیچ منطقی نمی‌گنجد.

اسرائیل در مدت اخیر و در بمباران‌های سنگین و بی‌وقفه خود علیه مردم نوار غزه، نشان داده که پس از حدود ۱۶ سال، اکنون سعی دارد این بزرگترین اردوگاه اسرای خود را، به یک گور دسته‌جمعی برای مردم فلسطین تبدیل کند و آن‌هایی که زنده می‌مانند را نیز وادار سازد تا راهی صحرای سینا در مصر شوند!

به نظر من، حق طبیعی و مسلم هر دو ملت اسرائیل و فلسطین است که در کنار هم در صلح زندگی کنند و برای رسیدن به چنین صلحی، با در نظر گرفتن تجارب تاکنونی بین اسرائیل و فلسطین، تنها راه حل پایان دادن به مناقشه و جنگ‌های طولانی و خونین، تشکیل یک فدراسیون دمکراتیک مشترک اسرائیلی و فلسطینی است که هر کدام در کشور خود، مدیریت مستقل خودشان را داشته باشند و هم‌زمان یک شورای مشترک داشته باشند تا معضلات و مشکلات قدیم و یا جدید پیش آمده بین دو ملت اسرائیل و فلسطین را از راه‌های سیاسی حل و فصل نماید.

سه‌شنبه نهم آبان- عقرب- ۱۴۰۲- سی و یکم اکتوبر ۲۰۲۳

ضمیمه:

فهرست قطع‌نامه‌های سازمان ملل در مورد فلسطین

در زیر یک فهرست از قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد مربوط به فلسطین از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۹ در شورای امنیت سازمان ملل متحد به تصویب رسید ۱۳۱ قطع‌نامه به‌طور مستقیم پرداختن به درگیری اعراب و اسرائیل در مورد فلسطینی‌ها؛ از سال ۲۰۱۲ تعدادی از قطع‌نامه‌های صادر شده به‌طور مستقیم با دولت فلسطینی آورده شده است.

قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل

:۱۹۴۷

۲۹ نومبر ۱۹۴۷

قطع‌نامه ۱۸۱: پیشنهاد تقسیم فلسطین به کشورهای عربی و یهودی و وضعیت بین‌المللی برای شهر بیت‌المقدس.

:۱۹۴۸

۱۹ نومبر: قطع‌نامه ۲۱۲: کمک به آوارگان فلسطینی

۱۱ دسمبر: قطع‌نامه ۱۹۴: تشکیل کمیسیون مصالحه. محافظت و دسترسی آزاد به بیت‌المقدس و سایر اماکن مقدس. تصریح می‌کند که پناهنده‌یانی که مایل به بازگشت به خانه‌های خود هستند و در آرامش با همسایگان خود زندگی می‌کنند

باید در سریعترین تاریخ عملی مجاز به انجام این کار باشند و باید برای اموال کسانی که تصمیم به بازگشت ندارند و برای از بین رفتن یا خسارت وارده باید پرداخت شود. به املاکی که طبق اصول حقوق بین‌الملل یا عدالت باید توسط دولت‌ها یا مقامات مسؤول انجام شود

:۱۹۴۹

۸ دسمبر: قطع‌نامه ۳۰۲ (IV): کمک به پناهندگان فلسطینی

۹ دسمبر: قطع‌نامه ۳۰۳ (IV): رژیم بین‌المللی بیت‌المقدس

۱۰ دسمبر: قطع‌نامه ۳۵۶: اورشلیم

:۱۹۵۰

۲ دسمبر: قطع‌نامه ۳۹۳: کمک به آوارگان فلسطینی

۱۴ دسمبر: قطع‌نامه ۳۹۴ (V): خواستار مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل و راه حل برای پناهندگان فلسطینی است.

۱۴ دسمبر: قطع‌نامه ۴۶۸: تأمین اعتبار برای یک رژیم بین‌المللی در اورشلیم را کاهش می‌دهد.

:۱۹۵۲

۲۶ جنوری: قطع‌نامه ۵۱۲: گزارش کمیسیون جمع‌بندی ملل متحد برای فلسطین.

۲۶ جنوری: قطع‌نامه ۵۱۳: کمک به آوارگان فلسطینی.

۶ نومبر: قطع‌نامه ۶۱۴: کمک به آوارگان فلسطینی.

۲۵ نومبر: قطع‌نامه ۶۶۰: گزارش سازمان امداد و نجات سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی (UNRWA).

:۱۹۵۳

۲۷ نومبر: قطع‌نامه ۷۲۰: کمک به آوارگان فلسطینی.

۲۷ نومبر: قطع‌نامه ۷۶۶

:۱۹۵۴

۴ دسمبر: قطع‌نامه ۸۱۸: کمک به آوارگان فلسطینی.

۴ دسمبر: قطع‌نامه ۸۷۹

:۱۹۵۵

۳ دسمبر: قطع‌نامه ۹۱۶: کمک به آوارگان فلسطینی.

۳ دسمبر: قطع‌نامه ۹۶۴

:۱۹۵۶

۲۱ دسمبر: قطع‌نامه ۱۰۸۱

:۱۹۵۷

۲۷ فیروری: قطع‌نامه ۱۰۹۱: پناهندگان فلسطینی.

۲۸ فیروری: قطع‌نامه ۱۰۱۸: پناهندگان فلسطینی.

۱۲ دسمبر: قطع‌نامه ۱۱۹۱.html: آوارگان فلسطینی.

:۱۹۵۸

۱۲ دسمبر: قطع‌نامه ۱۳۱۵: پناهندگان فلسطینی.

:۱۹۵۹

۹ دسمبر: قطعنامه ۱۴۵۶:

:۱۹۶۰

۱۸ دسمبر: قطعنامه ۱۵۴۵

:۱۹۶۱

۲۱ آوریل: قطعنامه ۱۶۰۴: پناهندگان فلسطینی

۳۰ اکتوبر: قطعنامه ۱۶۳۶

۲۰ دسمبر: قطعنامه ۱۷۲۵: پناهندگان فلسطینی

:۱۹۶۲

۱۱ دسمبر: قطعنامه ۱۷۸۹

۲۰ دسمبر: قطعنامه ۱۸۵۶: پناهندگان فلسطینی

۱۹۶۳

۲۷ ژوئن: قطعنامه ۱۸۷۴ مجمع ویژه سازمان ملل.

۲۷ ژوئن: قطعنامه ۱۸۷۵ مجمع ویژه سازمان ملل.

۶ نومبر: قطعنامه ۱۸۹۰

۳ دسمبر: قطعنامه ۱۹۱۲: پناهندگان فلسطینی

:۱۹۶۵

۱۰ فیروری: قطعنامه ۲۰۰۲: پناهندگان فلسطینی

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۲۰۴۷

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۲۰۴۸

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۲۰۵۲:

:۱۹۶۶

۲۶ اکتوبر: قطعنامه ۲۱۳۹

۱۷ نومبر: قطعنامه ۲۱۵۴: پناهندگان فلسطینی.

:۱۹۶۷

۴ جولای: قطعنامه ۲۲۵۲: کمک‌های بشردوستانه در جنگ ۱۹۶۷.

۴ جولای: قطعنامه ۲۲۵۳ (ES-V): اقدامات اسرائیل برای تغییر وضعیت بیت‌المقدس را باطل می‌کند

۱۴ جولای: قطعنامه ۲۲۵۴: «ابراز خرسندی» از عدم پایبندی اسرائیل به قطعنامه ۲۲۵۳ مجمع عمومی سازمان ملل

(ES-V)

۲۱ جولای: قطعنامه ۲۲۵۶: اوضاع در خاورمیانه

۱۸ سپتامبر: قطعنامه ۲۲۵۷: اوضاع در خاورمیانه.

۱۶ نومبر: قطعنامه ۲۲۶۴

۱۹ دسمبر: قطعنامه ۲۳۴۱: پناهندگان فلسطینی

:۱۹۶۸

۱ نومبر: قطعنامه ۲۳۸۰

۱۹ دسمبر: قطعنامه ۲۴۴۳: کمیته ویژه ای را برای تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی مؤثر بر حقوق بشر فلسطین تأسیس می‌کند.

۱۹ دسمبر: قطعنامه ۲۴۵۲:

۱۹۶۹:

۵ دسمبر: قطعنامه ۲۵۲۲

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۲۵۳۵: «تأیید مجدد» «حقوق غیرقابل انکار» مردم فلسطین و از شورای امنیت می‌خواهد «اقدامات مؤثر» را برای اجبار اجرای قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل انجام دهد

۱۱ دسمبر: قطعنامه ۲۵۴۶: «نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی» اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را محکوم می‌کند
۱۹۷۰:

۴ نومبر: قطعنامه ۲۶۲۸: اجرای سریع قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل را تشویق می‌کند و می‌پذیرد که «احترام به حقوق فلسطینی‌ها یک عنصر انکار ناپذیر در برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه است»

۴ دسمبر: قطعنامه ۲۶۵۳

۵ دسمبر: قطعنامه ۲۷۲۷: از اسرائیل خواسته‌است توصیه‌های کمیته ویژه سازمان ملل را که در مورد شیوه‌های اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی تحقیق می‌کند، اجرا کند

۷ دسمبر: قطعنامه ۲۶۵۶: ایجاد کارگروه برای تأمین

۸ دسمبر: قطعنامه ۲۶۷۲:

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۲۷۲۸: گزارش کمیته ویژه برای بررسی شیوه‌های اسرائیلی که بر حقوق بشر جمعیت سرزمین‌های اشغالی تأثیر می‌گذارد.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۲۷۲۹: گزارش کارگروه در زمینه تأمین

۱۹۷۱:

۸ نومبر: قطعنامه ۲۷۵۶

۶ دسمبر: قطعنامه ۲۷۹۱: کارگروه تأمین

۶ دسمبر: قطعنامه ۲۷۹۲ خواستار اجرای قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل است، بر «حقوق غیرقابل انکار مردم فلسطین» تأکید می‌کند و اسرائیل را متوقف می‌کند که اسکان مجدد ساکنان اردوگاه‌های پناهندگان فلسطین را متوقف کند.

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۲۷۹۹: اوضاع در خاورمیانه.

۲۰ دسمبر: قطعنامه ۲۸۵۱: گزارش کمیته ویژه برای بررسی شیوه‌های اسرائیلی که بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی تأثیر می‌گذارد. اقدامات اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را محکوم می‌کند.

۱۹۷۲:

۹ نومبر: قطعنامه ۲۹۱۲

۸ دسمبر: قطعنامه ۲۹۴۹: اوضاع در خاورمیانه.

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۲۹۶۳

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۲۹۶۴: کارگروه تأمین

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۰۰۵: گزارش کمیته ویژه بررسی شیوه‌های اسرائیلی که در حقوق بشر جمعیت سرزمین‌های اشغالی تأثیر می‌گذارد.

:۱۹۷۳

۱۷ اکتوبر: قطعنامه ۳۰۵۳

۷ دسمبر: قطعنامه ۳۰۸۹

۷ دسمبر: قطعنامه ۳۰۹۰: کارگروه تأمین

۷ دسمبر: قطعنامه ۳۰۹۲: گزارش کمیته ویژه برای بررسی شیوه‌های اسرائیلی که بر حقوق بشر جمعیت سرزمین‌های اشغالی تأثیر می‌گذارد.

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۱۷۵: حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی در سرزمین‌های اشغالی عرب.

:۱۹۷۴

۱۴ اکتوبر: قطعنامه ۳۲۱۰: از PLO دعوت می‌کند تا در جلسات مجمع عمومی برای مسأله فلسطین شرکت کند.

۱۲ نومبر: قطعنامه ۳۲۲۷

۲۲ نومبر: قطعنامه ۳۲۳۶: حق مردم فلسطین را برای به دست آوردن حقوق خود، از جمله حق تعیین سرنوشت و حق بازگشت، به رسمیت می‌شناسد.

۲۲ نومبر: قطعنامه ۳۲۳۷: وضعیت ناظر برای PLO.

۲۹ نومبر: قطعنامه ۳۲۴۰: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۲۹ نومبر: قطعنامه ۳۲۴۶: تأیید بر مشروعیت مقاومت مسلحانه توسط مردم مظلوم در راستای دستیابی به حق تعیین سرنوشت، و دولت‌هایی را که از آن حق پشتیبانی نمی‌کنند محکوم می‌کند

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۳۳۰: کارگروه تأمین

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۳۳۱

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۳۳۶: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.

:۱۹۷۵

۳۰ اکتوبر: قطعنامه ۳۳۷۰

۱۰ نومبر: قطعنامه ۳۳۷۵: دعوت از سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای مشارکت در تلاش‌های صلح در خاورمیانه.

۱۰ نومبر: قطعنامه ۳۳۷۶: تأسیس کمیته اعمال حقوق غیرقابل انکار مردم فلسطین (CEIRPP).

۵ دسمبر: قطعنامه ۳۴۱۴: خواستار تحریم‌های اقتصادی و تحریم تسلیحاتی علیه اسرائیل است تا زمانی که از تمام سرزمین‌های اشغالی در سال ۱۹۶۷ خارج شود و به فلسطینی‌ها «حقوق ملی غیرقابل نفوذ» اعطا کند.

۸ دسمبر: قطعنامه ۳۴۱۹

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵۱۶: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵۲۵: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

:۱۹۷۶

۲۳ نومبر: قطعنامه ۳۱/۱۵

۲۴ نومبر: قطعنامه ۳۱/۲۰: ابراز نگرانی عمیق از اینکه هیچ «راه حل عادلانه» برای «مسأله فلسطین» حاصل نشده است، از این مسأله به عنوان هسته اصلی مناقشه خاورمیانه یاد می‌کند و «حقوق غیرقابل انکار» را مجدداً تأیید می‌کند. فلسطینی‌ها، از جمله حق بازگشت و حق استقلال ملی.

۲۹ نومبر: قطعنامه ۳۱/۲۲

۹ دسمبر: قطعنامه ۳۱/۶۲: خواستار کنفرانس بین‌المللی صلح خاورمیانه تحت نظارت سازمان ملل و با ریاست ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی است.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۱/۱۰۶: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر مناطق اشغالی.

۲۱ دسمبر: قطعنامه ۳۱/۱۸۶: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.
:۱۹۷۷

۲۵ نومبر: قطعنامه ۳۲/۲۰: تأیید مجدد درخواست‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و یک کنفرانس صلح بین‌المللی با مشارکت PLO است.

۲ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۴۰: تأیید مجدد «حقوق غیرقابل نفوذ مردم فلسطین»، از جمله حق حاکمیت ملی و حق بازگشت.

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۹۰

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۹۱: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی. از اسرائیل می‌خواهد که به کنوانسیون ژنو احترام بگذارد
۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۱۱۱: نیازهای بهداشتی کودکان پناهنده فلسطینی.

۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۱۶۱: حاکمیت دائم بر منابع ملی
:۱۹۷۷

۲۵ نومبر: قطعنامه ۳۲/۲۰: تأیید مجدد درخواست‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و یک کنفرانس صلح بین‌المللی با مشارکت PLO است.

۲ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۴۰: تأیید مجدد «حقوق غیرقابل نفوذ مردم فلسطین»، از جمله حق حاکمیت ملی و حق بازگشت.

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۹۰

۱۳ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۹۱: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی. از اسرائیل می‌خواهد که به کنوانسیون ژنو احترام بگذارد
۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۱۱۱: نیازهای بهداشتی کودکان پناهنده فلسطینی.

۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۱۶۱: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.
۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۱۷۱: شرایط زندگی مردم فلسطین.

۲۱ دسمبر: قطعنامه ۳۲/۲۱۲-III: پیامدهای گسترش برخی از کارمندان سابق توسط صندوق بازا جلاسگی کارکنان سازمان ملل برای خدمات
:۱۹۷۸

۷ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۲۸

- ۷ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۲۹: مجدداً برخاسته‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و کنفرانس صلح بین‌المللی با مشارکت PLO تأکید می‌کند.
- ۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۸۱: نیازهای بهداشتی کودکان پناهنده فلسطینی.
- ۱۸ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۱۱۰: شرایط زندگی مردم فلسطین.
- ۱۸ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۱۱۲
- ۱۸ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۱۱۳: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.
- ۲۰ دسمبر: قطعنامه ۳۳/۱۴۷: کمک به مردم فلسطین.
- ۱۹۷۹:
- ۱۶ نومبر: قطعنامه ۳۴/۲۹: ابراز نگرانی از تبعید بنام شکا، شهردار نابلس، توسط اسرائیل.
- ۲۳ نومبر: قطعنامه ۳۴/۵۲
- ۲۹ نومبر و ۱۲ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۶۵
- ۶ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۷۰: تأیید مجدد درخواست‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و کنفرانس صلح بین‌المللی با مشارکت PLO است.
- ۱۱ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۷۷: خواستار ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه.
- ۱۲ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۹۰: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.
- ۱۴ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۱۱۳: شرایط زندگی مردم فلسطین.
- ۱۴ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۱۳۳: کمک به مردم فلسطین.
- ۱۴ دسمبر: قطعنامه ۳۴/۱۳۶: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.
- ۱۹۸۰:
- ۳ نومبر: قطعنامه ۳۵/۱۳
- ۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۷۵: شرایط زندگی مردم فلسطین.
- ۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۱۱۰: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.
- ۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۱۱۱: کمک به مردم فلسطین.
- ۱۱ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۱۲۲: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی که بر حقوق بشر جمعیت سرزمین‌های اشغالی تأثیر می‌گذارد.
- ۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۱۶۹
- ۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۵/۲۰۷: تأیید مجدد درخواست‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و ایجاد کشور فلسطین است.
- ۱۹۸۱:
- ۲۸ اکتوبر: قطعنامه ۳۶/۱۵: خواستار آن است که اسرائیل از هرگونه کاوش باستان‌شناسی در شرق قدس به‌طور کلی با تأکید بر کوه معبد چشم‌پوشی کند.
- ۴ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۷۰: کمک به مردم فلسطین.

۴ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۷۳: شرایط زندگی مردم فلسطین.

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۱۲۰

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۱۴۶

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۱۴۷: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۱۵۰: اسرائیل را متوقف می‌کند که برنامه‌ریزی کانال بین دریای مرده و دریای مدیترانه را متوقف کند.

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۶/۱۷۳: حاکمیت دائم بر منابع ملی در سرزمین‌های اشغالی عرب.

۱۷ دسمبر: قطعنامه‌های ۳۶/۲۲۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد B & A: تأیید مجدد درخواست‌های قبلی برای خروج کامل اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی و ایجاد کشور فلسطین است.
:۱۹۸۲

۵ فبروری: نهمین جلسه ویژه اضطراری ES / 9-1: وضعیت در سرزمین‌های اشغالی عرب.

۱۶ نومبر: قطعنامه ۳۷/۱۸: اسرائیل را از اجرای قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت محکوم می‌کند و از اسرائیل می‌خواهد تهدید خود را برای حمله به تأسیسات هسته ای کشورهای همسایه بازگرداند.

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۸۶

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۸۸: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۲۰

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۲۲: از اسرائیل می‌خواهد که کانالی بین دریای مرده و ماد ایجاد نکند

:۱۹۸۲

۵ فبروری: نهمین جلسه ویژه اضطراری ES / 9-1: وضعیت در سرزمین‌های اشغالی عرب.

۱۶ نومبر: قطعنامه ۳۷/۱۸: اسرائیل را از اجرای قطعنامه ۴۸۷ شورای امنیت محکوم می‌کند و از اسرائیل می‌خواهد تهدید خود را برای حمله به تأسیسات هسته ای کشورهای همسایه بازگرداند.

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۸۶

۱۰ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۸۸: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۲۰

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۲۲: از اسرائیل می‌خواهد که کانالی بین دریای مرده و دریای مدیترانه ایجاد نکند.

۱۶ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۲۳: محکوم کردن مسئولیت ادعا شده اسرائیل در مورد قتل عام صبرا و شاتیلا توسط حزب کاتائب در بیروت، لبنان؛ ثابت می‌کند که این قتل عام یک عمل نسل‌کشی بوده است. اعمال غارت میراث فرهنگی فلسطین را محکوم می‌کند؛ اشغال کرانه باختری، غزه و ارتفاعات جولان را محکوم می‌کند؛ و الحاق اورشلیم را محکوم می‌کند.

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۳۴: کمک به مردم فلسطین.

۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۱۳۵: حاکمیت دائمی بر منابع ملی در فلسطین‌های اشغالی و سایر مناطق عربی.

- ۲۰ دسمبر: قطعنامه ۳۷/۲۲۲: شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
:۱۹۸۳
- ۱۳ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۵۸
- ۱۵ دسمبر: قطعنامه‌های ۳۸/۷۹: گزارش کمیته ویژه تحقیق درباره اقدامات اسرائیلی مؤثر بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.
۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۸۳
- ۱۵ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۸۵: از اسرائیل می‌خواهد که کانالی بین دریای مرده و دریای مدیترانه ایجاد نکند.
- ۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۱۴۴: حاکمیت دائم بر منابع ملی در فلسطین‌های اشغالی و سایر مناطق عربی.
- ۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۱۴۵: کمک به مردم فلسطین.
- ۱۹ دسمبر: قطعنامه ۳۸/۱۶۶: شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
- ۱۹ دسمبر: قطعنامه‌های ۳۸/۱۸۰: از همه ملت می‌خواهد که کلیه روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فناوری با اسرائیل را متوقف یا قطع کنند. محکوم کردن اسرائیل در موضوعات مختلف از جمله اشغال کرانه باختری، غزه و ارتفاعات جولان، جنگ در لبنان و الحاق بیت‌المقدس.
:۱۹۸۴
- ۱۱ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۴۹
- ۱۴ دسمبر: قطعنامه‌های ۳۹/۹۵: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی مؤثر بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.
۱۴ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۹۹
- ۱۴ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۱۰۱: از اسرائیل می‌خواهد که کانالی بین دریای مرده و دریای مدیترانه ایجاد نکند.
- ۱۷ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۱۶۹: شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
- ۱۸ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۲۲۳: پروژه‌های توسعه اقتصادی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
- ۱۸ دسمبر: قطعنامه ۳۹/۲۲۴: کمک به مردم فلسطین.
:۱۹۸۵
- ۱۲ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۹۶
- ۱۶ دسمبر: قطعنامه‌های ۴۰/۱۶۱: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.
۱۶ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۱۶۵
- ۱۶ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۱۶۷: تصمیم به نظارت بر تصمیم اسرائیل در ساخت کانال بین دریای مرده و دریای مدیترانه است.
- ۱۷ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۱۶۹: پروژه‌های توسعه اقتصادی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
- ۱۷ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۱۷۰: کمک به مردم فلسطین.
- ۱۷ دسمبر: قطعنامه ۴۰/۲۰۱۲: شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.
:۱۹۸۶
- ۲ دسمبر: قطعنامه ۴۱/۴۳

۳ دسمبر: قطعنامه‌های ۴۱/۶۳: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی که بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی اشغال شده است.

۳ دسمبر: قطعنامه ۴۱/۶۹

۸ دسمبر: قطعنامه ۴۱/۱۸۱: کمک به مردم فلسطین.

۱۹۸۷:

۲ دسمبر: قطعنامه ۴۲/۶۶

۲ دسمبر: قطعنامه ۴۲/۶۹

۸ دسمبر: قطعنامه ۴۲/۱۶۰: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۱۱ دسمبر: قطعنامه ۴۲/۱۶۶: کمک به مردم فلسطین.

۱۱ دسمبر: قطعنامه ۴۲/۱۹۰: شرایط زندگی مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین.

۱۹۸۸:

۲۰ آوریل: قطعنامه ۴۳/۲۳۳: ابراز شوک از کشته شدن غیرنظامیان فلسطین در ناهالین.

۳ نومبر: قطعنامه ۴۳/۲۱: قیام (انتفاضه) فلسطین.

۶ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۵۷

۶ دسمبر: قطعنامه‌های ۴۳/۵۸: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۷ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۶۵: خواستار ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای i

۱۹۸۸:

۲۰ آوریل: قطعنامه ۴۳/۲۳۳: ابراز شوک از کشته شدن غیرنظامیان فلسطین در ناهالین.

۳ نومبر: قطعنامه ۴۳/۲۱: قیام (انتفاضه) فلسطین.

۶ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۵۷

۶ دسمبر: قطعنامه‌های ۴۳/۵۸: گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیلی تأثیرگذار بر حقوق بشر جمعیت مناطق اشغالی.

۷ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۶۵: خواستار ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته ای در خاورمیانه.

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۱۷۵

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۱۷۶ مجمع عمومی سازمان ملل: کنفرانس بین‌المللی صلح؛ اصول صلح

۱۵ دسمبر: قطعنامه ۴۳/۱۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل: اعلامیه کشور فلسطین در ۱۵ نومبر ۱۹۸۸ را تصدیق می‌کند.

۲۰ دسمبر: قطعنامه ۱۷۸/۴۳: کمک به مردم فلسطین.

۲۰۱۲

قطعنامه ۶۶/۲۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۱۲)

۲۹ نومبر: قطعنامه ۶۷/۱۹: فلسطین را به یک کشور ناظر غیر عضو تبدیل کرد.

۲۰۱۸

قطعنامه ۷۳/۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۰۱۸): فلسطین را به عنوان کرسی ریاست جلسات ۲۰۱۹ برای گروه ۷۷ منصوب می‌کند.

قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل

قطعنامه ۴۲: مسأله فلسطین (۵ مارس ۱۹۴۸) به کمیسیون فلسطین توصیه‌هایی را می‌طلبد
قطعنامه ۴۳: مسأله فلسطین (۱ آوریل ۱۹۴۸) "افزایش خشونت و بی‌نظمی در فلسطین" را به رسمیت می‌شناسد و از نمایندگان "آژانس یهودی فلسطین و کمیته عالی عربی" می‌خواهد، با شورای امنیت ترتیب دهند "آتش بس بین اعراب و جوامع یهودی فلسطین ... از گروه‌های مسلح عربی و یهودی در فلسطین خواستند که فوراً اعمال خشونت آمیز را متوقف کنند."

قطعنامه ۴۴: مسأله فلسطین (۱ آوریل ۱۹۴۸) خواستار تشکیل جلسه ویژه مجمع عمومی است
قطعنامه ۴۶: سؤال فلسطین (۱۷ آوریل ۱۹۴۸) از آنجا که پادشاهی متحده قدرت اجباری است، "این مسؤول حفظ صلح و نظم در فلسطین است." قطعنامه‌ها همچنین "از همه افراد و سازمان‌های فلسطین فراخوانده می‌شود" تا واردات "باند‌های مسلح و پرسنل جنگی ... از هر مبنای آنها؛ .. اسلحه و مواد جنگی؛ .. خودداری کنید، در انتظار دولت آینده فلسطین ... از هرگونه فعالیت سیاسی که ممکن است به منافع حقوق، ادعاها یا موقعیت هر یک از جامعه آسیب بزند، ... از هرگونه عملی که امنیت مکانهای مقدس در فلسطین را به خطر اندازد، خودداری کنید."

قطعنامه ۴۸: ۲۳ آوریل ۱۹۴۸، از همه طرف‌های ذی‌ربط می‌خواهد تا قطعنامه ۴۶ شورای امنیت سازمان ملل را رعایت کنند و کمیسیون آتش‌بس را برای فلسطین تأسیس می‌کنند تا از SC در اجرای آتش‌بس استفاده کنند. ۸-۰، ممتنع از کلمبیا، SSR اوکراین و اتحاد جماهیر شوروی تأیید شد.

قطعنامه ۴۹: ۲۲ مه ۱۹۴۸ دستور آتش‌بس را صادر کرد که ظهر، ۲۴ مه ۱۹۴۸، به وقت محلی در نیویورک اجرا شود. دستور می‌دهد کمیسیون آتش‌بس فلسطین که قبلاً گزارش داده بود پیرامون انطباق. مصوب ۸-۰، ممتنع از اتحاد جماهیر شوروی اتحادیه اروپا، اتحاد جماهیر شوروی و سوریه.

قطعنامه ۵۰: ۲۹ مه ۱۹۴۸، خواستار آتش‌بس چهار هفته‌ای است که شامل فلسطین، مصر، عراق، لبنان، عربستان سعودی، سوریه، ماوراءعجان و یمن است. از همه می‌خواهد تا از اماکن مقدس و اورشلیم محافظت کنند. در صورت لزوم به بسیاری از ناظران نظامی واسطه سازمان ملل را پیشنهاد می‌کند. تخلفات بیشتر و شورای اقدامات مربوط به فصل هفتم منشور سازمان ملل را در نظر خواهد گرفت. در قسمتهای مصوب؛ به‌طور کلی رای‌گیری در مورد قطعنامه

قطعنامه ۵۳: مسأله فلسطین (۷ جولای ۱۹۴۸)

قطعنامه ۵۴: مسأله فلسطین (۱۵ جولای ۱۹۴۸)

قطعنامه ۵۶: مسأله فلسطین (۱۹ اوت ۱۹۴۸)

قطعنامه ۵۷: مسأله فلسطین (۱۸ سپتامبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۵۹: مسأله فلسطین (۱۹ اکتوبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۶۰: مسأله فلسطین (۲۹ اکتوبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۶۱: مسأله فلسطین (۴ نومبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۶۲: مسأله فلسطین (۱۶ نومبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۶۶: مسأله فلسطین (۲۹ دسمبر ۱۹۴۸)

قطعنامه ۶۹: پذیرش اسرائیل در سازمان ملل (۰۴ مارس ۱۹۴۹)

قطعنامه ۷۲: سؤال فلسطین (۱۱ اوت ۱۹۴۹)

قطعنامه ۷۳: مسأله فلسطین (۱۱ اوت ۱۹۴۹)

قطعنامه ۸۹ (۱۷ نومبر ۱۹۵۰): در مورد آتش‌بس در جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و «انتقال افراد».

قطعنامه ۹۲: مسأله فلسطین (۸ مه ۱۹۵۱)

قطعنامه ۹۳: مسأله فلسطین (۱۸ مه ۱۹۵۱)

قطعنامه ۹۵: مسأله فلسطین (۱ سپتامبر ۱۹۵۱)

قطعنامه ۱۰۰: مسأله فلسطین (۲۷ اکتوبر ۱۹۵۳)

قطعنامه ۱۰۱: مسأله فلسطین (۲۴ نومبر ۱۹۵۳)

قطعنامه ۱۰۶: مسأله فلسطین (۲۹ مارس ۱۹۵۵) اسرائیل را برای حمله به غزه محکوم کرد.

قطعنامه ۱۰۷: مسأله فلسطین (۳۰ مارس)

قطعنامه ۱۰۸: مسأله فلسطین (۸ سپتامبر)

قطعنامه ۱۱۳: مسأله فلسطین (۴ آوریل)

قطعنامه ۱۱۴: مسأله فلسطین (۴ ژوئن)

قطعنامه ۱۲۷: مسأله فلسطین (۲۲ جنوری ۱۹۵۸) "... توصیه می‌کند که اسرائیل "منطقه کسی" خود را در اورشلیم به حالت تعلیق درآورد.

قطعنامه ۲۲۸: مسأله فلسطین (۲۵ نومبر ۱۹۶۶) "... اسرائیل را "بخاطر حمله خود به سامو در کرانه باختری و سپس تحت کنترل اردن" سانسور می‌کند."

قطعنامه ۲۳۳: جنگ شش روزه (۶ ژوئن ۱۹۶۷)

قطعنامه ۲۳۴: جنگ شش روزه (۷ ژوئن ۱۹۶۷)

قطعنامه ۲۳۵: جنگ شش روزه (۹ ژوئن ۱۹۶۷)

قطعنامه ۲۳۶: جنگ شش روزه (۱۱ ژوئن ۱۹۶۷)

قطعنامه ۲۳۷: جنگ شش روزه (۱۴ ژوئن ۱۹۶۷) "... اسرائیل را ترغیب می‌کند تا اجازه بازگشت پناهندگان فلسطینی جدید ۱۹۶۷ را بدهند." و از اسرائیل خواست تا از امنیت و رفاه ساکنان مناطقی که درگیری صورت گرفته است اطمینان حاصل کند.

قطعنامه ۲۴۰ (۲۵ اکتوبر ۱۹۶۷): در مورد نقض آتش‌بس

قطعنامه ۲۴۲ (۲۲ نومبر ۱۹۶۷): خاتمه کلیه ادعاها یا حالت‌های خصمانه و احترام و تأنید به حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور در منطقه. از همسایگان اسرائیل می‌خواهد به وضعیت دفاعی خاتمه دهند و با عقب‌نشینی نیروهای خود از زمین ادعا شده توسط سایر احزاب در جنگ ۱۹۶۷، اسرائیل را متعهد به تلافی می‌کنند. امروز به‌طور معمول تعبیر می‌شود که خواستار ایجاد زمین برای صلح به عنوان راهی برای حل مناقشه اعراب و اسرائیل است.

قطعنامه ۲۴۸: (۲۴ مارس ۱۹۶۸) "... اسرائیل را برای حمله گسترده خود به کرامه در اردن محکوم کرد."

قطعنامه ۲۵۰: (۲۷ آوریل) "... اسرائیل را فراخوانی می‌کند که از برگزاری رژه نظامی در اورشلیم خودداری کنند."

قطعنامه ۲۵۱: (۲ مه) «... به شدت مخالف قطعنامه ۲۵۰ نظامی اسرائیل در اورشلیم است.»

قطعنامه ۲۵۲: (۲۱ مه) "... اقدامات اسرائیل برای متحد کردن قدس به عنوان پایتخت یهود" را نامعتبر اعلام می‌کند.

قطعنامه ۲۵۶: (۱۶ اوت) "... حمله اسرائیل به اردن را "نقض آشکار" محکوم کرد.

قطعنامه ۲۵۸: (۱۸ سپتامبر) ... با ابراز نگرانی از رفاه ساکنان سرزمین‌های تحت اشغال اسرائیل، و از نماینده ویژه درخواست کرد که برای گزارش قطعنامه ۲۳۷ گزارش شود و اسرائیل همکاری کند.

قطعنامه ۲۵۹: (۲۷ سپتامبر) "... از امتناع اسرائیل از پذیرش مأموریت سازمان ملل برای تحقیق در مورد اشغال ابراز تأسف می‌کند."

قطعنامه ۲۶۲: (۳۱ دسمبر) "... اسرائیل را برای حمله به فرودگاه بیروت محکوم می‌کند."

قطعنامه ۲۶۵: (۱ آوریل ۱۹۶۹) "... اسرائیل را برای حملات هوایی به نمک "محکوم می‌کند".

قطعنامه ۲۶۷: (۳ جولای) "... اسرائیل را برای اقدامات اداری برای تغییر وضعیت بیت‌المقدس سانسور می‌کند."

قطعنامه ۲۷۰: (۲۶ اوت) "... اسرائیل را برای حملات هوایی به روستاهای جنوب لبنان محکوم می‌کند."

قطعنامه ۲۷۱: (۱۵ سپتامبر) "... محکوم کردن "عدم اجرای اسرائیل در اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل در بیت المقدس".

قطعنامه ۲۷۹: (۱۲ مه ۱۹۷۰) «خواستار خروج فوری کلیه نیروهای مسلح اسرائیل از خاک لبنان است.» (متن کامل)

قطعنامه ۲۸۰: (۱۹ مه) "... حمله اسرائیل علیه لبنان را محکوم کرد."

قطعنامه ۲۸۵: (۵ سپتامبر) "... خواستار خروج فوری اسرائیل از لبنان."

قطعنامه ۲۹۸: (۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱) "... از تغییر وضعیت بیت‌المقدس اسرائیل ابراز تأسف می‌کند."

قطعنامه ۳۱۳: (۲۸ فبروری ۱۹۷۲) "... خواستار آن است که اسرائیل حملات علیه لبنان را متوقف کند."

قطعنامه ۳۱۶: (۲۶ ژوئن) "... اسرائیل را برای حملات مکرر به لبنان محکوم می‌کند."

قطعنامه ۳۱۷: (۲۱ جولای) "... از امتناع اسرائیل از آزادی اعراب ربوده شده در لبنان ابراز تأسف می‌کند."

قطعنامه ۳۳۱: (۲۰ آوریل ۱۹۷۳)

قطعنامه ۳۳۲: (۲۱ آوریل) "... حملات مکرر اسرائیل علیه لبنان را محکوم می‌کند."

قطعنامه ۳۳۷: (۱۵ اوت) "... اسرائیل را به دلیل نقض حق حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان و انحراف به اجبار و تصرف یک هوپیمای لبنانی از فضای هوایی لبنان محکوم می‌کند."

قطعنامه ۳۳۸: (۲۲ اکتوبر ۱۹۷۳): "... خواستار آتش بس" در جنگ یوم کیپور و "اجرای قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت (۱۹۴۷) در همه قسمت‌های آن" است، و "تصمیم می‌گیرد، فوراً و همزمان با آتش بس، مذاکرات بین طرفین زیربط تحت حمایت‌های مناسب با هدف برقراری صلح عادلانه و بادوام در خاورمیانه آغاز می‌شود."

قطعنامه ۳۳۹: (۲۳ اکتوبر ۱۹۷۳): Res. ۳۳۸، ناظران سازمان ملل را اعزام کنید.

قطعنامه ۳۴۰: (۲۵ اکتوبر): "خواستار مشاهده آتش بس فوری و کامل، در هر ۳۳۸ و ۳۳۹ است و درخواست افزایش تعداد ناظران نظامی سازمان ملل را دارد

قطعنامه ۳۴۱: (۲۷ اکتوبر): "گزارش اجرای قطعنامه ۳۴۰ را تصویب می‌کند

قطعنامه ۳۴۴: (۱۵ دسمبر)

قطعنامه ۳۴۶: (۸ آوریل ۱۹۷۴)

قطعنامه ۳۴۷: (۲۴ آوریل) "... حمله اسرائیل به لبنان را محکوم می‌کند."

قطعنامه ۳۵۰ (۳۱ مه ۱۹۷۴) نیروی ناظران از سازمان ملل متحد را برای نظارت بر آتش‌بس بین اسرائیل و سوریه در پی جنگ یوم کیپور تأسیس کرد.

قطعنامه ۳۶۳ (۲۹ نومبر)

قطعنامه ۳۶۸ (۱۷ آوریل ۱۹۷۵) از طرفین درگیر در شرایط حاکم بر تنش در خاورمیانه خواست تا بلافاصله قطعنامه ۳۳۸ را اجرا کنند.

قطعنامه ۳۶۹ (۲۸ مه ۱۹۷۵) با ابراز نگرانی از وضعیت حاکم بر تنش در خاورمیانه، مجدداً تأکید کرد که دو توافق قبلی تنها گامی در جهت اجرای قطعنامه ۳۳۸ بوده و طرفین را به اجرای آن فراخوانده و تمدید کرده‌اند. مأموریت نیروهای ناظر بر سازمان منع سازمان ملل متحد.

قطعنامه ۳۷۱، از عدم پیشرفت در جهت صلح پایدار در خاورمیانه ابراز نگرانی کرد.

قطعنامه ۳۹۰، گزارشی را در مورد نیروی ناظر بر سازمان منع سازمان ملل متحد و تمدید وظیفه خود در نظر گرفت، به تلاشها برای برقراری صلح در خاورمیانه اشاره کرد، اما ابراز نگرانی از وضعیت غالب تنش‌ها ابراز نگرانی کرد و خواستار اجرای قطعنامه ۳۳۸ شد.

قطعنامه ۳۹۶

قطعنامه ۴۰۸

قطعنامه ۴۱۶

قطعنامه ۴۲۰، در رابطه با نیروی ناظر سازمان ملل در مورد عدم انکار.

قطعنامه ۴۲۵ (۱۹۷۸): "... از اسرائیل می‌خواهد که نیروهای خود را از لبنان خارج کند." خروج اسرائیل از لبنان تا ۱۶ ژوئن ۲۰۰۰ به پایان رسید.

قطعنامه ۴۲۶، نیروی موقت سازمان ملل را در لبنان (UNIFIL) تأسیس کرد.

قطعنامه ۴۲۷: "... اسرائیل را فراخوانده است تا خروج خود از لبنان را کامل کند."

قطعنامه ۴۲۹

قطعنامه ۴۳۴، دستورالعمل UNIFIL را تجدید کرد و از اسرائیل و لبنان خواست تا قطعنامه‌های قبلی را اجرا کنند.

قطعنامه ۴۳۸

قطعنامه ۴۴۱

قطعنامه ۴۴۴: "... از عدم همکاری اسرائیل با نیروهای صلح سازمان ملل متحد ابراز تأسف می‌کند."

قطعنامه ۴۴۶ (۱۹۷۹): "تعیین می‌کند" که شهرک سازی اسرائیل یک "مانع جدی" برای صلح است و اسرائیل را ملزم به پیروی از کنوانسیون چهارم ژنو می‌کند."

قطعنامه ۴۴۹، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متوقف شده سازمان ملل.

قطعنامه ۴۵۰: "... اسرائیل را متوقف می‌کند که حمله به لبنان را متوقف کند."

قطعنامه ۴۵۲: "... اسرائیل را متوقف می‌کند که ساخت و سازها در مناطق اشغالی را متوقف کند."

قطعنامه ۴۵۶، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متحد برای برکناری.

قطعنامه ۴۵۹، در مورد UNIFIL.

قطعنامه ۴۶۵: "... شهرکهای اسرائیل را ابراز تأسف می‌کند و از همه کشورهای عضو می‌خواهد به برنامه تسویه اسرائیل کمک نکنند."

قطعنامه ۴۶۷: "... به شدت از مداخله نظامی اسرائیل در لبنان ابراز تأسف می‌کند".

قطعنامه ۴۶۸: "... اسرائیل را متوقف می‌کند که اخراج‌های غیرقانونی دو شهردار فلسطین و یک قاضی را متوقف سازد و بازگشت آنها را تسهیل کند. "

قطعنامه ۴۶۹: "... به شدت ابراز نارضایتی "از عدم اجرای اسرائیل در اجرای دستور شورا مبنی بر تبعید فلسطینیان".

قطعنامه ۴۷۰، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متوقف شده سازمان ملل.

قطعنامه ۴۷۱: "... از عدم تحقق اسرائیل در کنوانسیون چهارم ژنو ابراز نگرانی می‌کند".

قطعنامه ۴۷۴، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متحد از منع سازمان ملل.

قطعنامه ۴۷۶: "... تأکید می‌کند که ادعای اسرائیل در بیت‌المقدس "باطل است". تغییر وضعیت بیت‌المقدس به منزله نقض آشکار چهارمین کنوانسیون ژنو است.

قطعنامه ۴۷۸ (۲۰ اوت ۱۹۸۰): «مجازات‌ها (اسرائیل) با شدیدترین شرایط» برای ادعای خود در بیت‌المقدس در «قانون اساسی».

قطعنامه ۴۸۱، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متحد از سازمان ملل.

قطعنامه ۴۸۳، با توجه به شرایط اسرائیل و لبنان، به نیاز مستمر یونیفیل اشاره کرد و دستور کار خود را تمدید کرد.

قطعنامه ۴۸۴: "... این امر را ضروری می‌داند که اسرائیل مجدداً پذیرفت که دو شهردار فلسطینی تبعید شده را پذیرفت. "

قطعنامه ۴۸۵، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متوقف شده سازمان ملل.

قطعنامه ۴۸۷: "... اسرائیل را به دلیل حمله به تأسیسات هسته ای عراق به شدت محکوم می‌کند".

قطعنامه ۴۸۸، در مورد UNIFIL.

قطعنامه ۴۹۳، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متوقف شده سازمان ملل.

قطعنامه ۴۹۸: "... از اسرائیل خواست تا از لبنان خارج شود".

قطعنامه ۵۰۱: "... از اسرائیل می‌خواهد که حملات علیه لبنان را متوقف کند و سربازانش را پس بگیرد".

قطعنامه ۵۰۶، در مورد نیروی ناظر از سازمان ملل متحد برای برکناری.

قطعنامه ۵۰۸: خواستار پایان یافتن خصومت بین اسرائیل و PLO در لبنان شد و خواستار آتش‌بس شد.

قطعنامه ۵۰۹: "... خواستار آن است که اسرائیل نیروهای خود را فوراً و بدون قید و شرط از لبنان خارج کند".

قطعنامه ۵۱۱، دستورالعمل UNIFIL را تمدید کرد.

قطعنامه ۵۱۵: "... خواستار آن است که اسرائیل محاصره خود را از بیروت برداشته و اجازه دهد تا مواد غذایی وارد شود".

قطعنامه ۵۱۶، متوقف شد که فوراً فعالیت‌های نظامی در لبنان را متوقف کرد و خاطرنشان کرد: نقض آتش‌بس در بیروت.

قطعنامه ۵۱۷: "... اسرائیل را به دلیل عدم پیروی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد سؤال می‌کند و خواستار آن است که اسرائیل نیروهای خود را از لبنان خارج کند. "

قطعنامه ۵۱۸: "... خواستار آن است که اسرائیل به‌طور کامل با نیروهای سازمان ملل در لبنان همکاری کند".

قطعنامه ۵۱۹، وظیفه یونیفیل را تمدید کرد، و به آن اجازه داد تا کارهای بشردوستانه را انجام دهد.

قطعنامه ۵۲۰: "... حمله اسرائیل به بیروت غربی را محکوم می‌کند."

قطعنامه ۵۲۳، مربوط به UNIFIL است

قطعنامه ۵۲۴

قطعنامه ۵۲۹

قطعنامه ۵۳۱

قطعنامه ۵۳۶

قطعنامه ۵۳۸

قطعنامه ۵۴۳

قطعنامه ۵۴۹

قطعنامه ۵۵۱

قطعنامه ۵۵۵

قطعنامه ۵۵۷

قطعنامه ۵۶۱

قطعنامه ۵۶۳

قطعنامه ۵۷۳: "... اسرائیل را به شدت "بخاطر بمباران تونس در حمله به مقر PLO" محکوم کرد.

قطعنامه ۵۷۵

قطعنامه ۵۷۶

قطعنامه ۵۸۳

قطعنامه ۵۸۴

قطعنامه ۵۸۶

قطعنامه ۵۸۷: "... به یادداشت‌های قبلی اسرائیل مبنی بر عقب‌نشینی نیروهای خود از لبنان توجه می‌کند و از همه طرف‌ها خواست تا عقب‌نشینی کنند.

قطعنامه ۵۹۲: "... قتل دانشجویان فلسطینی در دانشگاه بیرزیت توسط نیروهای اسرائیلی را به شدت ابراز تأسف می‌کند."

قطعنامه ۵۹۴

قطعنامه ۵۹۶

قطعنامه ۵۹۹

قطعنامه ۶۰۳

قطعنامه ۶۰۵: "... به شدت از سیاست‌ها و شیوه‌های اسرائیل برای انکار حقوق بشر فلسطینی‌ها ابراز تأسف می‌کند.

قطعنامه ۶۰۷: "... از اسرائیل می‌خواهد که فلسطینی‌ها را تبعید نکنند و شدیداً از آن می‌خواهند که به کنوانسیون چهارم ژنو تبعیت کند.

قطعنامه ۶۰۸: «... با ابراز تأسف از اینکه اسرائیل از سازمان ملل سرپیچی کرده و غیرنظامیان فلسطینی را تبعید کرده‌است».

قطعنامه ۶۰۹

قطعنامه ۶۱۱: "... ترور اسرائیل از خلیل الوطیر را به عنوان "نقض آشکار منشور "محکوم کرد

قطعنامه ۶۱۳

قطعنامه ۶۱۷

قطعنامه ۶۲۴

قطعنامه ۶۳۰

قطعنامه ۶۳۳

قطعنامه ۶۳۶: "... از اعزام اسرائیلی‌ها به غیرنظامیان فلسطینی ابراز تأسف می‌کند.

قطعنامه ۶۳۹ (۳۱ جولای ۱۹۸۹)

قطعنامه ۶۴۱ (۳۰ اوت ۱۹۸۹): "... از ادامه اعزام اسرائیلی فلسطینی‌ها به اسرائیل ابراز تأسف می‌کند.

قطعنامه ۶۴۵ (۲۹ نومبر ۱۹۸۹)

قطعنامه ۶۵۵ (۳۱ مه ۱۹۹۰)

قطعنامه ۶۷۲ (۱۲ اکتوبر ۱۹۹۰): "... اسرائیل را به دلیل "خشونت علیه فلسطینی‌ها در حرام الشریف / کوه معبد محکوم می‌کند.

قطعنامه ۶۷۹ (۳۰ نومبر ۱۹۹۰)

قطعنامه ۶۸۱ (۲۰ دسمبر ۱۹۹۰): "... از تأیید مجدد اسرائیل از اعزام فلسطینی‌ها خبر داد.

قطعنامه ۶۸۴ (۳۰ جنوری ۱۹۹۱)

قطعنامه ۶۹۴ (۲۴ مه ۱۹۹۱): "... اعزام اسرائیل از فلسطینی‌ها را ابراز تأسف می‌کند و از آن می‌خواهد تا بازگشت ایمن و فوری آنها را تضمین کند.

قطعنامه ۶۹۵ (۳۰ مه ۱۹۹۱)

قطعنامه ۷۰۱ (۳۱ جولای ۱۹۹۱)

قطعنامه ۷۲۲ (۲۹ نومبر ۱۹۹۱)

قطعنامه ۷۲۶ (۰۶ جنوری ۱۹۹۲): "... تبعید اسرائیل از فلسطینی‌ها را به شدت محکوم می‌کند.

قطعنامه ۷۳۴ (۲۹ جنوری ۱۹۹۲)

قطعنامه ۷۵۶ (۲۹ مه ۱۹۹۲)

قطعنامه ۷۶۸ (۳۰ جولای ۱۹۹۲)

قطعنامه ۷۹۰ (۲۵ نومبر ۱۹۹۲)

قطعنامه ۷۹۹ (۱۸ دسمبر ۱۹۹۲): "... به شدت "تبعید ۴۱۳ فلسطینی اسرائیل را محکوم می‌کند و خواستار بازگشت فوری آنها می‌شود.

قطعنامه ۸۰۳ (۲۸ جنوری ۱۹۹۳)

قطعنامه ۸۳۰ (۲۶ مه ۱۹۹۳)

قطعنامه ۸۵۲ (۲۸ جولای ۱۹۹۳)

قطعنامه ۸۸۷ (۲۹ نومبر ۱۹۹۳)

قطعنامه ۸۹۵ (۲۸ جنوری ۱۹۹۴)

قطعنامه ۹۰۴ (۱۸ مارس ۱۹۹۴): غار قتل عام مردسالاران.

قطعنامه ۱۰۷۳ (۲۸ سپتامبر ۱۹۹۶) درباره وضعیت بیت المقدس
قطعنامه ۱۳۲۲ (۷ اکتوبر ۲۰۰۰) از دیدار آریل شارون از کوه معبد و خشونت‌های ناشی از آن ابراز تأسف کرد
قطعنامه ۱۳۹۷ (۱۲ مارس ۲۰۰۲) اولین قطعنامه ای که صریحاً خواهان راه حل دو کشور است.
قطعنامه ۱۴۳۵ (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۲) خواستار خاتمه اقدامات اسرائیل در داخل و اطراف رام الله بود، و عقب‌نشینی
اسرائیل از مواضع قبل از سپتامبر ۲۰۰۰.
قطعنامه ۱۵۵۹ (۲ سپتامبر ۲۰۰۴) از لبنان خواست که حاکمیت خود را بر تمام سرزمین خود برقرار کند و از آن
خواسته شد
قطعنامه ۱۸۶۰ (۹ جنوری ۲۰۰۹) خواستار پایان جنگ کامل بین اسرائیل و حماس شد.
قطعنامه ۲۳۳۴ (۲۳ دسمبر ۲۰۱۶) خواستار خاتمه ساختمان شهرک سازی اسرائیل شد.